

۳ افق

۳ تنگه اشتراکی هرمز  
گزارشی از نیویورک تایمز

۳ دیپلماسی

۳ توافق‌های اقتصادی  
در دوحه چه خبر است؟

۶ توسعه

۶ شلیک به سرمایه  
در باره آینده سرمایه‌گذاری در خلیج فارس

۷ کوچک

۷ خزر ناپدید می‌شود!  
کاهش ۲۴ هزار کیلومتر مربع آب در ۳ دهه

۷ جامعه

## در تبوتاب وداع

بابتخت برای بدرقه رهبر شهید آماده می‌شود

صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ



یادداشت روز

## تفاهم یا تنفس؟

نقش تحولات منطقه‌ای در تفاهم ایران و آمریکا



سیدجلال ساداتیان

دیپلمات پیشین

تفاهم اخیر میان ایران و آمریکا و تداوم مذاکرات غیرمستقیم در دوحه، بار دیگر این پرسش را در کانون توجه قرار داده است که آیا دو طرف به سمت یک توافق پایدار حرکت می‌کنند یا آنچه امروز جریان دارد صرفاً مدیریت موقت یک بحران است. همزمانی این گفت‌وگوها با تحولات لبنان، عراق و ادامه تنش‌های امنیتی در منطقه، گمانه‌زنی‌ها درباره پیوند این رخدادها با مذاکرات تهران و واشنگتن را افزایش داده است. با این حال بررسی روندهای میدانی و سیاسی نشان می‌دهد که نباید همه تحولات منطقه را صرفاً از دریچه مذاکرات ایران و آمریکا تفسیر کرد.

نخستین واقعیت آن است که تفاهم کنونی بر پایه اعتماد شکل نگرفته است. تجربه سال‌های گذشته، از خروج آمریکا از برجام گرفته تا تحولات نظامی اخیر، نشان داده که بی‌اعتمادی عمیق همچنان بر روابط دو کشور سایه افکنده است. بنابراین مبنای گفت‌وگوهای فعلی نه اعتماد متقابل بلکه نوعی «مدیریت بازدارندگی» و تنظیم موازنه قدرت است؛ وضعیتی که در آن هر دو طرف تلاش می‌کنند، هزینه‌های تقابل را کاهش دهند بدون آنکه از ابزارهای فشار خود چشم‌پوشند.

در چنین شرایطی، ایران بیش از هر چیز بر پایان واقعی درگیری‌ها تأکید دارد نه صرفاً آتش‌بسی شکننده که هر لحظه امکان فروپاشی آن وجود داشته باشد. از نگاه تهران، توافق زمانی معنا پیدا می‌کند که تضمینی برای جلوگیری از آغاز دوباره جنگ وجود داشته باشد. اما تحولات هفته‌های اخیر، به‌ویژه حملات اسرائیل به جنوب لبنان، این نگرانی را تقویت کرده که حتی در صورت تفاهم میان تهران و واشنگتن، بازیگران دیگری قادرند روند کاهش تنش را با چالش مواجه کنند.

لبنان نمونه روشنی از همین پیچیدگی است. همزمان با مذاکرات ایران و آمریکا، گفت‌وگوهایی نیز میان دولت لبنان، آمریکا و سایر بازیگران درباره وضعیت جنوب این کشور جریان دارد؛ گفت‌وگوهایی که هدف آن استقرار ارتش لبنان در برخی مناطق و کاهش نقش نظامی حزب‌الله عنوان شده است. مخالفت حزب‌الله و بخش مهمی از جریان‌های سیاسی لبنان با این روند نشان می‌دهد که معادلات داخلی این کشور صرفاً تابع روابط تهران و واشنگتن نیست. هرچند برخی معتقدند کاهش حملات اسرائیل علیه حزب‌الله، نتیجه فشار ایران در چارچوب تفاهم با آمریکا بوده اما واقعیت آن است که مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در این روند نقش دارند و نمی‌توان همه تحولات را به یک عامل واحد تقلیل داد.

وضعیت عراق نیز از همین جنس است. بازداشت برخی شخصیت‌های سیاسی و امنیتی در چارچوب مبارزه با فساد، اگرچه شایعاتی درباره ارتباط آن با فشار بر جریان مقاومت ایجاد کرده اما تاکنون شواهد قطعی برای چنین نتیجه‌گیری وجود ندارد. بخشی از این پرونده‌ها ریشه در رقابت‌های داخلی عراق و ساختار پیچیده سیاسی این کشور دارد. از این رو قضاوت زود هنگام درباره اینکه این اقدامات بخشی از توافق ایران و آمریکا برای محدود کردن نیروهای نزدیک به محور مقاومت است، بیش از آنکه بر داده‌های مستند استوار باشد مبتنی بر برداشت‌های سیاسی است.

ادامه در صفحه ۳

## تفاهم زیر تیغ سانسور

سازندگی بررسی می‌کند: چرا صداوسیما

سخنان محمدباقر قالیباف، رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران را قطع کرد؟



هنوز گفت‌وگوی ویژه خبری

سه‌شنبه شب در رسانه ملی به نیمه نرسیده

بود که ناگهان پخش سخنان محمدباقر

قالیباف، رئیس مجلس و رئیس تیم

مذاکره‌کننده متوقف شد و برنامه به شکلی غیرمنتظره پایان یافت. اتفاقی که

سبب شد، حاشیه‌های این گفت‌وگو از متن آن مهم‌تر شود. رئیس مجلس در

این گفت‌وگو تلاش داشت گزارشی از روند اجرای تفاهم‌نامه، پایان محاصره

دریایی، وضعیت مذاکرات، آزادسازی منابع مالی و پاسخ به منتقدان ارائه

کند اما قطع ناگهانی برنامه، روایت او را ناتمام گذاشت. این اقدام صداوسیما

بلافاصله با واکنش‌های گسترده‌ای همراه شد؛ از انتقاد به عملکرد صداوسیما

و طرح ادعای سانسور گرفته تا مطرح شدن دوباره نام حسن روزی‌طلب،

مطالبه برکناری پیمان جبلی و طرح بحث جناحی بودن رسانه ملی.

ادامه در صفحه ۲

عاطفه شمس



گروه سیاسی

## قالیباف چه گفت؟

از روزی که محاصره را برداشتیم، بیش از ۴۰ میلیون بشکه نفت صادر کردیم

اکنون بدون واسطه و فساد، نفت می‌فروشیم. نمی‌دانم چرا برخی ناراحت‌اند!

رفع تحریم‌ها انجام شده و نفت ایران ۲۰ درصد گران‌تر فروخته می‌شود

ما نباید تنگه را به ضد خودش تبدیل کنیم؛

تنگه وقتی ارزشمند است که روزبه‌روز تردد در آن بیشتر شود و رونق یابد

به‌خاطر مشکلات سیاسی با من قالیباف، حقوق ملت را از بین نبرید

توافق خرید کالا مربوط به امضای دولت سیزدهم است که همان هم اجرا نشد!

دولت

### شایسته‌سالاری به جای انحصار مدیریتی

پزشکیان: تمرکز قدرت در حلقه‌های محدود  
با حکمرانی مطلوب سازگار نیست



**گروه سیاسی:** رئیس‌جمهور در جمع استادان مدیریت دانشگاه‌های کشور از سه محور کلیدی برای اصلاح نظام حکمرانی سخن گفت؛ شکستن انحصار مدیریتی، استقرار شایسته‌سالاری و اصلاح تصمیم‌گیری‌های غیرعلمی که به گفته او، بخشی از ناترازی‌های امروز کشور از جمله در حوزه انرژی را رقم زده است. مسعود پزشکیان تأکید کرد که اداره کشور نباید در اختیار حلقه‌های محدود از افراد باشد و دولت تلاش می‌کند از ظرفیت همه نیروهای توانمند، فارغ از گرایش‌های سیاسی و جناحی، استفاده کند.

پزشکیان روز گذشته در نشست «هم‌اندیشی مسائل و چالش‌های نظام حکمرانی با محورهای افزایش بهره‌وری، اصلاح الگوی مصرف و کاهش فساد اداری» با ترسیم تصویری از چالش‌های مدیریتی کشور، فاصله میان دانش و اجرا را یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت دانست. او گفت کشور از نظر ارائه ایده، نظریه و راهکار علمی کمبودی ندارد اما مشکل آنجاست که این راهکارها کمتر به مرحله اجرا می‌رسند و سازوکارهای لازم برای عملیاتی شدن آنها شکل نگرفته است.

بر همین اساس، رئیس‌جمهور از دانشگاه‌ها خواست، نقش پررنگ‌تری در حل مسائل کشور ایفا کنند و اعلام کرد، دولت آماده است بخشی از اختیارات و مسئولیت‌های خود را به دانشگاه‌هایی واگذار کند که توانایی مشارکت در اصلاح فرآیندها و ارائه راهکارهای اجرایی را دارند.

پزشکیان با تأکید بر اینکه دولت به دنبال استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد است، تصریح کرد ملاک انتخاب مدیران نباید وابستگی‌های سیاسی یا روابط غیرحرفه‌ای باشد بلکه توانایی، تخصص و کارآمدی باید معیار اصلی قرار گیرد. رئیس‌جمهور در همین چارچوب از استادان مدیریت خواست در طراحی سازوکارهای علمی برای شناسایی و انتخاب مدیران شایسته به دولت کمک کنند. او در ادامه، تمرکز قدرت و مسئولیت در اختیار گروهی محدود و مغایر با اصول حکمرانی مطلوب دانست و گفت، فرصت‌های مدیریتی باید به صورت عادلانه میان نیروهای توانمند توزیع شود. او تأکید کرد، گسترش مشارکت نخبگان در مدیریت کشور باید همزمان با تقویت نظام پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری همراه باشد تا کارآمدی نظام اداری افزایش یابد.

رئیس‌جمهور همچنین با انتقاد از فاصله میان آموزش دانشگاهی و نیازهای واقعی جامعه، خواستار حرکت آموزش عالی به سمت مهارت‌آموزی، کار تیمی و آموزش مبتنی بر حل مسئله شد. به گفته او در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان، دانشجویان از همان دوران تحصیل با مسائل واقعی روبرو می‌شوند اما در ایران بخش عمده آموزش همچنان بر انتقال دانش نظری متمرکز است و همین موضوع موجب شده بسیاری از فارغ‌التحصیلان برای ورود به عرصه مدیریت و حل مسائل اجرایی آمادگی کافی نداشته باشند. بخش دیگری از سخنان پزشکیان به موضوع بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف اختصاص داشت. او بهره‌وری را در گرو آموزش مستمر، ارتقای مهارت‌ها و تغییر رفتار سازمانی دانست و تأکید کرد، آموزش زمانی ارزشمند است که به بهبود عملکرد منجر شود نه اینکه صرفاً در قالب دوره‌های تشریفاتی برگزار شود. رئیس‌جمهور در ادامه، ریشه بخشی از مشکلات ساختاری کشور را تصمیم‌گیری‌های غیرعلمی و توسعه نامتوازن در سال‌های گذشته عنوان کرد و گفت در بسیاری از موارد میان منابع و مصارف تناسب لازم رعایت نشده و نتیجه آن، شکل‌گیری ناترازی‌هایی مانند ناترازی انرژی بوده است. او بر همین اساس از تدوین برنامه‌ای برای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی در حوزه مدیریت مصرف خبر داد و تأکید کرد، دانشگاهیان می‌توانند در طراحی شاخص‌های این ارزیابی و ارائه راهکارهای علمی نقش مؤثری ایفا کنند.

پزشکیان در پایان نیز مبارزه با فساد را صرفاً در گرو صدور بخشنامه و دستورالعمل ندانست و گفت، کاهش فساد اداری نیازمند اصلاح رفتار، افزایش شفافیت، تقویت فرهنگ سازمانی و مسئولیت‌پذیری مدیران است. او تأکید کرد، موفقیت سیاست‌های دولت زمانی معنا پیدا می‌کند که مردم آثار آن را در زندگی روزمره، معیشت، رفاه، آموزش و سلامت خود به‌طور ملموس احساس کنند.

ادامه تیتربیک

## تفاهم زیر تیغ سانسور

قالبیاف در ابتدای این گفت‌وگو تأکید کرد که تعبیر «جنگ» دیگر دقیق نیست و باید از «تحقق پایان جنگ» سخن گفت. او گفت آنچه میان ایران و آمریکا شکل گرفته بر پایه یک تفاهم‌نامه دنیال می‌شود؛ تفاهمی که به گفته او، نخستین نتیجه‌اش برداشته شدن محاصره دریایی ایران بود. او محاصره دریایی را «شدیدترین نوع جنگ» توصیف کرد و گفت این محاصره نه تجهیزات نظامی بلکه معیشت مردم را هدف قرار داده بود. به گفته رئیس مجلس پس از پاراف تفاهم‌نامه، دونالد ترامپ پایان محاصره را اعلام کرد و مسیر تردد کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های ایرانی باز شد.

رئیس مجلس در تشریح روند شکل‌گیری تفاهم گفت، تفاهم‌نامه با نقش تسهیل‌گری پاکستان و قطر به امضا رسیده و اکنون گفت‌وگوها برای اجرای کامل بندهای آن ادامه دارد. به گفته او آنچه امروز میان تهران و واشنگتن جریان دارد صرفاً یک توافق روی کاغذ نیست بلکه اجرای مرحله‌به‌مرحله تعهداتی است که در متن تفاهم آمده است. قالبیاف تأکید کرد، جمهوری اسلامی همزمان دو مسیر را دنبال می‌کند؛ از یک‌سو مذاکره برای اجرای تعهدات و از سوی دیگر حفظ آمادگی کامل در میدان. او تصریح کرد: «اگر نخواهند در گفت‌وگو به تعهدات خود عمل کنند، آماده جنگ هستیم». به گفته قالبیاف، این دو مسیر نه متناقض بلکه مکمل یکدیگر هستند و تجربه ماه‌های اخیر نیز نشان داده هر جا زبان تفاهم کارآمد نباشد جمهوری اسلامی از ابزار قدرت استفاده خواهد کرد.

او در ادامه با اشاره به تحولات منطقه گفت، تفاهم اسلام‌آباد به معنای پایان همه تنش‌ها نیست بلکه چارچوبی برای مدیریت بحران‌هاست. از نگاه او، رژیم صهیونیستی از همان ابتدا با این تفاهم مخالف بوده و پس از امضای آن نیز تلاش کرده با افزایش حملات به جنوب لبنان، روند اجرای توافق را با مشکل مواجه کند. قالبیاف توضیح داد که به همین دلیل ایران علاوه بر اقدامات دیپلماتیک، پیگیری اجرای مفاد توافق درباره لبنان را نیز در دستور کار قرار داده است و کاهش محسوس حملات به جنوب لبنان را یکی از نتایج همین پیگیری‌ها دانست.

### روایت قالبیاف از رفع محاصره و فروش نفت

رئیس تیم مذاکره‌کننده در ادامه تأکید کرد: «از روزی که محاصره را برداشتیم تا امروز بیش از ۴۰ میلیون بشکه نفت صادر کردیم». او این آمار را نشانه عملی بودن توافق دانست و تأکید کرد که آثار آن تنها روی کاغذ باقی نمانده است. رئیس مجلس سپس به مسئله فروش نفت پرداخت و گفت: «اکنون بدون واسطه و فساد نفت می‌فروشیم، نمی‌دانم چرا برخی ناراحتند». به اعتقاد قالبیاف، مخالفان حاضر نیستند، موفقیت‌های اقتصادی حاصل از تفاهم را بپذیرند و همچنان روایت شکست را دنبال می‌کنند. او در این بخش اظهاراتی را بیان کرد که بعدها گفته شد، بخشی از آن از پخش تلویزیونی حذف شده است. قالبیاف گفت: «برخی نمی‌خواهند بپذیرند، اوفک [تحریم‌های آمریکا علیه ایران] باز شده و محاصره برداشته شد. افتخار کنید و لذت را ببرید تا فشار اقتصادی را از مردم برداریم».

رئیس مجلس سپس به انتقادهایی که درباره رفع تحریم‌ها مطرح می‌شد، پاسخ داد و گفت: «می‌گفتند رفع تحریم وعده سر خرمن است، رفع تحریم‌ها انجام شده و نفت ایران ۲۰ درصد گران‌تر فروخته می‌شود». او تأکید کرد، درآمدهای نفتی بدون مشکل به حساب‌های کشور واریز می‌شود و امکان خرید کالا نیز فراهم شده است.

قالبیاف در بخش دیگری از سخنانش به لبنان پرداخت و گفت هدف اصلی تفاهم، پایان جنگ و تثبیت حاکمیت ملی این کشور است. او تأکید کرد: «یک کمیته مشترک بین ایران، آمریکا و لبنان ایجاد می‌شود تا حاکمیت ملی لبنان را محقق کند». به گفته او سفیر ایران نیز نماینده تهران در این کمیته خواهد بود.

رئیس مجلس برای پاسخ به منتقدان داخلی، آنها را به مواضع رهبران مقاومت ارجاع داد و گفت: «ببینید، شیخ نعیم قاسم به‌عنوان رهبر حزب‌الله و حزب‌الله درباره تفاهم چه موضعی دارند و برخی در داخل چه می‌گویند». او همچنین از نحوه پوشش اخبار لبنان در رسانه ملی گلایه کرد و اظهار داشت: «اینکه تلویزیون درگیری‌های لبنان را برجسته می‌کند، خوب است اما گاهی به این موضوع هم اشاره کند که شرایط لبنان چطور بود و الان چطور شده است».

### تنگه هرمز؛ برگ برنده ایران

بخش دیگری از سخنان قالبیاف به تنگه هرمز اختصاص داشت؛ جایی که او ضمن تأکید بر حاکمیت ایران گفت: «ما نباید تنگه را به ضد خودش تبدیل کنیم؛ تنگه وقتی ارزشمند است که روزبه‌روز تردد در آن بیشتر شود و رونق یابد». او افزود، هدف ایران افزایش امنیت کشتیرانی، کاهش هزینه بیمه کشتی‌ها و تبدیل تنگه هرمز به مسیر امن تجارت است نه ایجاد محدودیت برای کشورهای منطقه.



انجام می‌شد. در فضای سیاسی نیز انتقادها ادامه یافت. مجتبی زارعی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس از وجود «باند خودسر» در صداوسیما سخن گفت و نوشت: «یک باند خودسر در خانواده شریف و اینارگر صداوسیما در جنگ‌های شناختی بین ترامپ و قالبیاف کنار ترامپ ایستاد و برنامه قالبیاف را قطع کرد!» مرتضی کامل‌نوب، دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت نیز این اقدام را نشانه برخورد دوگانه رسانه ملی دانست و در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «درحالی که تلویزیون در این چند ماه، ساعت‌ها آنتن خود را در اختیار سخنرانان سفارشی و مخالف‌خوان قرار داده است، تبیین و توضیحات رئیس مجلس درباره تفاهم‌نامه اخیر را در مهم‌ترین بخش آن قطع و ادامه پخش آن را به فردا حواله می‌دهد!»

حتی برخی رسانه‌های اصولگرا نیز از این اتفاق انتقاد کردند. روزنامه فرهیختگان با تأکید بر اینکه در شرایط حساس کشور، کشاندن اختلافات داخلی به آنتن تلویزیون، اقدامی غیرقابل دفاع است، نوشت: «کدام عقل به مدیران محترم می‌گوید در آستانه واقعه تاریخی تشییع رهبر شهید انقلاب، اختلافات خودتان بر سر مذاکرات را به صحنه اجتماعی بیارید؟ یعنی واقعاً نمی‌شود در پشت صحنه و در فاصله ۲۴ ساعت از تولید تا پخش مصاحبه، اختلافات دو طرف حل شود؟ چطور آن نطق کوتاه پزشکیان درباره عذرخواهی از کشورهای همسایه در اوج جنگ پخش شد و چطور جناب نبویان تا روزی آنتن رسید، درحالی که معلوم بود چه می‌گوید اما حرف‌های به‌مراتب معمولی‌تر قالبیاف قطع می‌شود و حساسیت اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌کنند». روزنامه خراسان نیز با طرح این پرسش که چرا رسانه ملی هنگام پاسخگویی رسمی مسئولان خود به مانع پاسخگویی تبدیل می‌شود، نوشت: «قالبیاف اگر سکوت کند، متهم به پنهان‌کاری می‌شود، اگر بخواهد گزارش دهد، صداوسیما ترمز پخش را می‌کشد. صداوسیما باید روشن بگوید، از گزارش قالبیاف می‌تسد یا از روشن شدن واقعیت تفاهم؟»

محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، ضمن انتقاد از فضای ایجاد شده، خطاب به قالبیاف نوشت، مسئله اصلی مردم نه پاسخ دادن به اقلیت تدررو بلکه شنیدن صدای اکثریتی است که خواهان رفع فشارهای اقتصادی و رسیدن مذاکرات به نتیجه هستند. او خطاب به قالبیاف نوشت: «باور کنید بدجووری در دام پاسخگویی به اقلیت فریادزن افتادید».

### مطالبه تغییر در صداوسیما

در میانه این جنجال‌ها، نام حسن روزی‌طلب، مدیرکل برنامه‌های سیاسی سازمان صداوسیما نیز دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. برخی رسانه‌ها مدعی شدند که پخش مصاحبه قالبیاف از شبکه خبر درحالی‌ها ناگهان قطع شد که شنیده شده روزی‌طلب از نزدیکان برادران جلیلی که قبلاً و در پی مصاحبه جنجالی نبویان استعفا کرده و رفته بود همان روز مجدداً به کار بازگشته است. در کنار انتقادهای سیاسی، بخشی از واکنش‌ها نیز متوجه مدیریت رسانه ملی شد و شماری از فعالان رسانه‌ای و سیاسی خواستار تغییر مدیریت سازمان صداوسیما شدند. در شبکه‌های اجتماعی، هشتگ برکناری پیمان جبیلی بار دیگر مورد توجه قرار گرفت و منتقدان، عملکرد اخیر رسانه ملی را نشانه دور شدن آن از جایگاه یک رسانه فراگیر دانستند. آنها استدلال کردند اگر قرار بود برنامه در دو بخش پخش شود، می‌شد این کار را در پایان یک سوال یا پس از جمع‌بندی یک محور انجام داد نه در میانه اظهارات مهمان برنامه. از نگاه آنان همین شیوه اجرا باعث شد، روایت «سانسور» خیلی سریع بر روایت رسمی «تقسیم برنامه به دو بخش» غلبه کند و اصل گفت‌وگوی رئیس مجلس نیز تحت‌الشعاع قرار گیرد.

رئیس مجلس در ادامه با تشریح نگاه جمهوری اسلامی به تنگه هرمز تأکید کرد، ایران هرگز به دنبال نامن کردن این آبراه راهبردی نبوده است. او گفت تنگه هرمز بزرگ‌ترین ابزار قدرت ایران است اما ارزش این ابزار زمانی حفظ می‌شود که امنیت، تجارت و رفت‌وآمد کشتی‌ها در آن افزایش یابد. قالبیاف تصریح کرد، محدودیت باید متوجه آمریکا و رژیم صهیونیستی باشد نه تجارت کشورهای منطقه. او تأکید کرد، ایران می‌خواهد به دنیا نشان دهد، امنیت خلیج فارس رو به افزایش است تا هزینه بیمه کشتی‌ها نیز کاهش پیدا کند و تجارت دریایی رونق بیشتری بگیرد.

قالبیاف در ادامه خطاب به منتقدان سیاسی خود گفت: «به خاطر مشکلات سیاسی با من قالبیاف، حقوق ملت را از بین نبرید». او با لحن صریح افزود: «اگر اختلاف سیاسی وجود دارد نباید منافع مردم قربانی رقابت‌های جناحی شود».

در ادامه، بحث آزادسازی منابع ارزی ایران مطرح شد. قالبیاف توضیح داد براساس تفاهم ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد تا بتواند، نیازهای کشور را تأمین کند. او همچنین در پاسخ به انتقادهایی درباره خرید کالا از آمریکا تصریح کرد: «توافق خرید کالا مربوط به امضای دولت سیزدهم است که همان هم اجرا نشده». او با طرح این پرسش که خرید کالاها اساسی در سال‌های گذشته از چه مسیری انجام می‌شده، تأکید کرد محل خرید امروز نباید بهانه‌ای برای حمله به توافق باشد و آنچه اهمیت دارد، کاهش فشار اقتصادی بر مردم است.

### واکنش‌ها به قطع گفت‌وگوی قالبیاف

مرکز رسانه مجلس، ساعاتی بعد با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد این گفت‌وگو از ابتدا به‌صورت ضبطی انجام شده و بیش از دو ساعت پیش از زمان پخش در اختیار صداوسیما قرار گرفته بود. در این اطلاعیه تأکید شد اگر قرار بر حذف یا عدم پخش بخشی از گفت‌وگو بود حداقل انتظار می‌رفت این موضوع با مجلس هماهنگ شود.

مرکز رسانه مجلس در اطلاعیه خود همچنین فهرست موضوعاتی که فرصت طرح آنها از بین رفت را منتشر کرد؛ پاسخ به ادعاهای مطرح شده درباره بازرسی آژانس از سایت‌های هسته‌ای، تشریح روند آزادسازی اموال بلوکه شده ایران، توضیح اعتبار ۳۰۰ میلیارد دلاری پیش‌بینی شده برای بازسازی در متن تفاهم، پاسخ به اظهارات دونالد ترامپ همچنین تبیین پیام اخیر رهبر انقلاب از جمله محورهایی بود که به گفته مجلس به دلیل توقف پخش برنامه روی آنتن نرفت.

برخی رسانه‌ها نیز مدعی شدند حدود ۲۰ دقیقه از گفت‌وگو و یک بخش ۵۵ ثانیه‌ای از سخنان قالبیاف حذف شده است؛ بخشی که در آن از مجوزهای اوفک، فروش نفت و پاسخ به منتقدان سخن گفته بود. صداوسیما اما روایت دیگری ارائه داد. براساس توضیح این سازمان، تصمیم گرفته شده بود، گفت‌وگو در دو قسمت پخش شود و حتی این موضوع به‌صورت زیرنویس نیز اطلاع‌رسانی شده بود.

با این حال نحوه قطع برنامه، انتقادهای گسترده‌ای را برانگیخت. امیرابراهیم رسولی، مشاور سیاسی رئیس مجلس، این اقدام را «افتضاح مدیریتی» خواند و نوشت اگر قرار بود، مصاحبه‌ای ضبطی دچار تغییر شود چرا پیش از پخش بررسی نشده بود. ایمان شمسایی، رئیس مرکز ارتباطات مجلس نیز گفت، اصل تقسیم مصاحبه نباید قابل تصور باشد اما قطع کردن سخنان رئیس مجلس در میانه یک جمله، اقدامی غیرحرفه‌ای بود و اگر تصمیمی برای توقف برنامه وجود داشت باید در نقطه‌ای طبیعی و با هماهنگی قبلی

# تنگه اشتراکی هرمز

## گزارش نیویورک تایمز از طرح مشترک ایران و عمان



**گروه بین الملل:** روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز به نقل از یک مقام ایرانی و چهار دیپلمات منطقه‌ای آگاه، گزارش داد که ایران و عمان با وجود مخالفت علنی واشنگتن در حال پیشبرد طرحی برای دریافت عوارض از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز هستند.

در صورت اجرای این طرح، وضعیت تردد در این آبراه راهبردی نسبت به دوره پیش از جنگ به‌طور چشمگیری تغییر خواهد کرد و نشان می‌دهد، تصمیم آمریکا و اسرائیل برای حمله به ایران در ۲۸ فوریه (نهم اسفند ۱۴۰۴) خاورمیانه را به شکلی گسترده و پیش‌بینی نشده دگرگون کرده است.

براساس این گزارش، عمان اخیراً یک پیشنهاد رسمی به ایالات متحده و دیگر متحدان غربی ارائه کرده که در آن طرحی مطرح شده مبنی بر اینکه شرکت‌های کشتیرانی برای استفاده از این تنگه، هزینه خدمات پرداخت کنند.

یک منبع آگاه از موضع آمریکا گفته که مذاکره‌کنندگان آمریکایی این پیشنهاد را دریافت کرده‌اند و نگرانی‌هایی درباره آن دارند که قرار است با مقام‌های عمانی مطرح شود. اما در طرح عمان به‌جای به‌کارگیری واژه عوارض که پرداخت آن اجباری خواهد بود از «هزینه‌های داوطلبانه» صحبت شده

دیپلماسی

داشت و ایران از نظر نظامی در موقعیت ضعیف‌تری نسبت به دشمن خود قرار داشت، موضوع تنگه هرمز توانست به‌عنوان یک ابزار مؤثر فشار عمل کند.

در نهایت ایران با وجود تحمل خسارات نظامی، نشان داد همچنان قادر است، مهم‌ترین اهرم راهبردی خود یعنی کنترل بر تنگه هرمز را حفظ کند. براساس تفاهم‌نامه اخیر، تهران پذیرفته تنگه را به مدت ۶۰ روز به روی کشتی‌های تجاری باز نگه دارد و در مقابل از معافیت‌های هدفمند تحریمی، امکان فروش نفت و فرآورده‌های نفتی با دلار، آزادسازی بخشی از دارایی‌های مسدود شده و ایجاد یک صندوق بازسازی برخوردار شود. با این حال آینده توافق پس از این دوره ۶۰ روزه همچنان نامشخص است و معلوم نیست، مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای یا رفع دائمی تحریم‌ها به کجا خواهد رسید.

ادامه یادداشت روز

## تفاهم یا تنفس؟

در کنار این نگاه، سناریوی دیگری نیز مطرح است؛ اینکه آمریکا صرفاً در پی مدیریت موقت بحران باشد و پس از عبور از فشارهای اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی، بار دیگر سیاست فشار حداکثری یا حتی گزینه نظامی را در دستور کار قرار دهد. این احتمال را نمی‌توان به‌طور کامل نادیده گرفت. افزایش قیمت انرژی، فشار بر اقتصاد آمریکا و متحدان غربی، کاهش ذخایر راهبردی سوخت و نگرانی از بی‌ثباتی بازارهای جهانی همگی عواملی هستند که واشنگتن را به سمت کاهش موقت تنش سوق داده‌اند. طبیعی است که اگر این فشارها کاهش یابد، برخی محافل سیاسی در آمریکا یا لابی‌های حامی اسرائیل بار دیگر خواستار تغییر مسیر شوند.

با این حال تحقق چنین سناریویی قطعی نیست. آینده روابط تهران و واشنگتن بیش از هر چیز به نحوه مدیریت این دوره از سوی دو طرف بستگی دارد. اگر هر یک از طرفین تصور کند که می‌تواند از فرصت کنونی برای تحمیل خواسته‌های حداکثری خود استفاده کند احتمال بازگشت بحران افزایش خواهد یافت. در مقابل، اگر هر دو طرف به این جمع‌بندی برسند که هزینه درگیری مجدد بیش از منافع آن است امکان حرکت به سمت توافقی پایدارتر نیز وجود خواهد داشت.

در این میان نباید از یک عامل تعیین‌کننده غفلت کرد؛ سرمایه اجتماعی و انسجام داخلی. تجربه ماه‌های گذشته نشان داد که مقاومت یک کشور صرفاً به توان نظامی وابسته نیست. ایستادگی مردم عملکرد نهادهای اجرایی، نقش رسانه‌ها در مدیریت افسکار عمومی و حفظ ثبات اقتصادی همگی در کنار یکدیگر توانستند، کشور را از یکی از دشوارترین مقاطع عبور دهند. اگر این سرمایه اجتماعی حفظ نشود و مشکلات اقتصادی و معیشتی بدون پاسخ باقی بماند هرگونه توافق خارجی نیز نمی‌تواند، امنیت و ثبات پایدار ایجاد کند.

تفاهم اخیر ایران و آمریکا را باید به پایان یک منازعه تاریخی بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از رقابت کنترل شده دانست؛ مرحله‌ای که در آن دیپلماسی، بازدارندگی و تحولات منطقه‌ای همزمان بر یکدیگر اثر می‌گذارند. موفقیت این مسیر بیش از هر چیز به واقع‌بینی طرفین، مهار بازیگران بحران‌ساز و تقویت انسجام داخلی وابسته است. تفاهمی که نیازمند پشتوانه قدرت ملی، رضایت عمومی، ثبات اقتصادی و رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم و تحقق منافع ملی کشور است.

هرمز خبر داد. او گفت: «آرسینو دومینگر» دبیرکل سازمان بین‌المللی دریانوردی گفت: امکان ایجاد یک صندوق پرداخت داوطلبانه برای تنگه هرمز وجود دارد.

## تنگه راهبردی

براساس گزارش‌های رسانه‌های معتبر و نظرات کارشناسان برجسته، ایران با تبدیل گلوگاه حیاتی تنگه هرمز به «اهرم فشار راهبردی» نتوانسته در پرونده هسته‌ای بلکه در کل معادلات امنیتی منطقه، نقش‌آفرینی کرده و موازنه قدرت را به‌نفع خود تغییر دهد. ایران از موضوع کنترل بر تنگه هرمز به دلیل تأثیر مستقیم آن بر قیمت انرژی، اقتصاد جهانی و زنجیره‌های تأمین وابسته به نفت و انرژی به‌عنوان یک اهرم فشار استفاده کرد. در شرایطی که جنگ ماهیتی نامتقارن

مرتس، صدراعظم آلمان، اعلام کرده که نشست آینده ناتو در آنکارا فرصتی برای بررسی آخرین تحولات خاورمیانه و حمایت از تلاش‌های دیپلماتیک میان ایران و آمریکا خواهد بود. وی تأکید کرد که کشورهای عضو ناتو همچنان دستیابی به صلح پایدار، پایان برنامه هسته‌ای ایران و بازگشایی دائمی تنگه هرمز را اهداف مشترک خود می‌دانند. مرتس همچنین از آمادگی برلین برای مشارکت مالی در اجرای توافق احتمالی سخن گفت اما این حمایت را مشروط به برقراری آتش‌بسی پایدار دانست. به گفته او در صورت پایان جنگ آلمان آماده مشارکت در بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده منطقه خواهد بود؛ موضعی که نشان می‌دهد، اروپا علاوه بر نگرانی‌های امنیتی، نیه‌گاهی نیز به فرصت‌های اقتصادی دوران پس از بحران دارد. با وجود این تحولات بسیاری از کارشناسان معتقدند، تفاهم کنونی تنها آغاز یک مسیر طولانی است. این سند برخلاف توافق هسته‌ای گذشته، یک توافق جامع محسوب نمی‌شود بلکه چارچوبی موقت برای توقف درگیری‌ها، بازگشایی تنگه هرمز، رفع محاصره دریایی و آغاز مذاکراتی است که قرار است، ظرف ۶۰ روز درباره توافق نهایی ادامه یابد. در این میان هر یک از دو طرف تلاش می‌کنند تفاهم را به‌عنوان یک موفقیت سیاسی معرفی کنند. دولت ترامپ می‌تواند پایان جنگ، تثبیت بازار انرژی و دریافت تعهد دوباره ایران مبنی بر عدم حرکت به سمت سلاح هسته‌ای را دستاورد خود بداند. در مقابل، ایران نیز توانسته است به بخشی از مطالبات اصلی خود از جمله توقف جنگ، رفع محاصره، از سرگیری صادرات نفت، آزادسازی بخشی از دارایی‌های بلوکه شده و خارج شدن موضوع برنامه موشکی از دستور کار مذاکرات دست یابد. با این حال مهم‌ترین و حساس‌ترین پرونده همچنان حل‌نشده باقی مانده است؛ یعنی آینده برنامه هسته‌ای ایران. این پرونده پس از حملات گسترده آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در سال ۲۰۲۵ به اصلی‌ترین محور اختلاف میان دو کشور تبدیل شد. تهران همچنان بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود تأکید می‌کند اما آمریکا خواهان تضمین‌های دائمی برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است؛ خواهش‌هایی که از نگاه واشنگتن مستلزم کاهش ذخایر اورانیوم غنی شده و محدود شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. در تفاهم جدید، ایران بار دیگر متعهد شده که به‌دنبال تولید یا دستیابی به سلاح هسته‌ای نرود و همزمان دو طرف پذیرفته‌اند درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی شده، مذاکره کنند. اما همین بخش از توافق نیز با پرسش‌های فراوانی روبه‌روست؛ میزان دقیق کاهش ذخایر، جدول زمانی اجرای تعهدات، شیوه راستی‌آزمایی، آینده‌سازی اورانیوم و نحوه ارتباط اقدامات هسته‌ای با روند لغو تحریم‌ها همگی موضوعاتی هستند که هنوز پاسخی برای آنها ارائه نشده است. موفقیت این تفاهم در گرو حل پیچیده‌ترین اختلافات دو طرف در هفته‌های آینده خواهد بود. سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران، آینده تحریم‌ها، سازوکار اجرای تعهدات و میزان اعتماد متقابل، عواملی هستند که مشخص خواهند کرد این تفاهم به توافقی پایدار تبدیل می‌شود یا صرفاً وقفه‌ای کوتاه در یکی از پیچیده‌ترین منازعات سال‌های اخیر خواهد بود.

نشان‌دهنده آن است که هنوز درباره مهم‌ترین موضوعات اختلافی توافقی حاصل نشده است.

همزمان کاخ سفید نیز بر ادامه مسیر دیپلماسی تأکید اما اعلام کرده که صرف‌نظر از سرنوشت تفاهم‌نامه، آمریکا توانسته مسیر خلع سلاح هسته‌ای ایران را هموار کند. مقام‌های آمریکایی اعلام کرده‌اند که تیم‌های فنی دو کشور مشغول بررسی تمامی بندهای تفاهم‌نامه هستند و دونالد ترامپ همچنان رادحیل دیپلماتیک را بهترین گزینه می‌داند. از نگاه واشنگتن هنوز فرصت دستیابی به توافقی وجود دارد که بتواند، نگرانی‌های هسته‌ای را برطرف و همزمان از بازگشت بحران نظامی جلوگیری کند.

دونالد ترامپ نیز با اشاره به گفت‌وگوهای اخیر، مدعی شد ایران «گام بزرگی» برای دستیابی به توافق برداشته و نشست اخیر با نمایندگان ایرانی را «ممتاز» توصیف کرد. وی با پیوند زدن روند مذاکرات به وضعیت اقتصاد جهانی، مدعی شد کاهش قیمت نفت، رشد بازارهای مالی و ثبات اقتصادی از دستاوردهای این روند



خواهد بود. ترامپ در عین حال، بار دیگر ادعا کرد که آمریکا در هفته‌های گذشته ضربات سنگینی به ایران وارد کرده و اکنون در مسیر خلع سلاح هسته‌ای این کشور حرکت می‌کند؛ موضعی که بیش از هر چیز بازتاب‌دهنده تلاش دولت آمریکا برای نمایش مذاکرات به‌عنوان نتیجه فشارهای نظامی و سیاسی است.

در کنار مباحث سیاسی، گزارش‌هایی نیز درباره نخستین دستاوردهای اقتصادی تفاهم منتشر شده است. شبکه العربیه از توافق اولیه برای آزادسازی سه میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران خبر داده است؛ اقدامی که در صورت نهایی شدن می‌تواند نخستین امتیاز اقتصادی ملموس برای تهران در چارچوب تفاهم جدید باشد و زمینه را برای گام‌های بعدی در کاهش محدودیت‌های اقتصادی فراهم کند. شتاب گرفتن روند دیپلماسی میان تهران و واشنگتن، بازیگران اروپایی را نیز به تحرک واداشته است. فریدریش

دیپلماسی

## توافقی‌های اقتصادی

### در دوحه چه خبر است؟



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

درحالی که نشانه‌های تازه‌ای از کاهش تنش میان ایران و آمریکا دیده می‌شود، مجموعه‌ای از تحرکات دیپلماتیک در دوحه، واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی نشان می‌دهد که دو طرف وارد مرحله‌ای تازه از گفت‌وگوها شده‌اند؛ مرحله‌ای که هدف اصلی آن تثبیت آتش‌بس، جلوگیری از بازگشت درگیری‌ها و فراهم کردن بستر مذاکراتی دشوار بر سر پرونده هسته‌ای ایران است. با وجود آنکه مقام‌های آمریکایی از «پیشرفت مثبت» مذاکرات سخن می‌گویند، تقاض در اظهارات مقام‌های واشنگتن و باقی ماندن اختلافات بنیادین، نشان می‌دهد که تفاهم کنونی بیش از آنکه یک توافق جامع باشد، چارچوبی موقت برای مدیریت بحران است.

خبرگزاری بلومبرگ به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داده که استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا و جرد کوشنر، داماد دونالد ترامپ و از چهره‌های مؤثر در روند مذاکرات، در دوحه گفت‌وگوهای مثبتی با رهبران و میانجی‌های منطقه‌ای داشته‌اند. به گفته این مقام تماس‌های فنی میان تهران و واشنگتن همچنان ادامه دارد و دو طرف در حال بررسی جزئیات اجرای تفاهمی هستند که هدف آن جلوگیری از سرگیری درگیری‌ها و فراهم کردن مقدمات یک توافق گسترده‌تر است.

در همین چارچوب، وزارت امور خارجه قطر نیز از دیدار شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه این کشور با ویتکاف و کوشنر خبر داد. براساس بیانیه دوحه، محور اصلی این نشست

بررسی روند اجرای یادداشت تفاهم میان ایران و آمریکا درباره توقف درگیری‌ها بوده است. طرفین همچنین درباره تحولات منطقه به‌ویژه توافق آتش‌بس در لبنان و راهکارهای تقویت ثبات در خاورمیانه گفت‌وگو کردند؛ موضعی که نشان می‌دهد مذاکرات تهران و واشنگتن دیگر صرفاً به پرونده هسته‌ای محدود نیست و آثار آن بر معادلات امنیتی منطقه نیز مورد توجه قرار گرفته است.

با این حال روایت‌های منتشر شده از سوی مقام‌های آمریکایی کاملاً یکساز نیست. درحالی که منابع نزدیک به مذاکرات از پیشرفت مثبت سخنان می‌گویند، جی‌دی وینس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، تأکید کرده که مذاکرات هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد و واشنگتن همچنان ابزارهای فشار متعددی در اختیار دارد که در صورت لزوم از آنها استفاده خواهد کرد. این دوگانگی در مواضع از یک‌سو تلاشی برای حفظ اهرم فشار در برابر تهران تلقی می‌شود و از سوی دیگر

وبترین

## قدرت کلمات در جنگ

نگاهی به رمان **کتاب دزد** اثر مارکوس زوساک



محمد نامینی

پژوهش‌گر جامعه‌شناسی

«بعضی چیزها را می‌شود از انسان گرفت؛ خانه را، امنیت را، حتی عزیزانش را. اما تا وقتی کلمه‌ای برای گفتن باقی مانده باشد، هنوز همه چیز از دست نرفته است.» تاریخ نشان داده که جنگ‌ها فقط شهرها را ویران نمی‌کنند؛ آن‌ها حافظه را نیز هدف می‌گیرند. شاید به همین دلیل باشد که در بسیاری از حکومت‌های جنگ‌زده و تمامیت‌خواه، کتاب‌ها زودتر از ساختمان‌ها می‌سوزند. قدرت، همیشه از کلمه هراس داشته است؛ زیرا کلمه، تنها ابزاری است که می‌تواند در برابر فراموشی مقاومت کند.

در چنین چشم‌اندازی، رمان «کتاب‌دزد» نوشته مارکوس زوساک را نمی‌توان صرفاً داستانی درباره جنگ جهانی دوم دانست. این کتاب، پیش از هر چیز، درباره سرنوشت واژه‌ها در روزگاری است که خشونت می‌کوشد زبان انسان را از او بگیرد. رمانی که نشان می‌دهد گاهی نجات یک کتاب، به معنای نجات بخشی از انسانیت است. داستان، زندگی دختر بچه‌ای به نام لیزل را روایت می‌کند؛ کودکی که در میانه جنگ، خانواده و امنیتش را از دست می‌دهد و در خانه‌ای غریبه، آرام‌آرام با جهان کتاب‌ها آشنا می‌شود. نخستین کتابش را نه از کتابخانه، بلکه از کنساریک قبر برمی‌دارد؛ گویی از همان آغاز، کلمات در این رمان از دل مرگ متولد می‌شوند. برای لیزل، کتاب‌ها فقط وسیله خواندن نیستند؛ آن‌ها پناهگاهند، راهی برای فهمیدن جهانی که هر روز بی‌رحم‌تر از روز قبل می‌شود. یکی از خلاقانه‌ترین انتخاب‌های زوساک، سپردن روایت به «مرگ» است. راوی این داستان، برخلاف انتظار، موجودی سرد و بی‌احساس نیست. او از دیدن رنج انسان‌ها خسته است، گاه دل‌سوزی می‌کند و گاه از تکرار بی‌پایان خشونت شگفت‌زده می‌شود. همین زاویه دید، رمان را از بسیاری از آثار جنگی متمایز می‌کند؛ زیرا جنگ را نه از منظر قهرمانان، بلکه از نگاه کسی روایت می‌کند که ناچار است پایان زندگی همه را تماشا کند. اما آنچه «کتاب‌دزد» را به اثری ماندگار تبدیل کرده، میدان نبرد نیست؛ زندگی روزمره است. زوساک، جنگ را از پنجره خانه‌ای کوچک، از زیرزمین‌هایی که پناهگاه شده‌اند، از دوستی‌های ساده و از شب‌هایی روایت می‌کند که مردم با شنیدن آژیر، بی‌صدا کنار هم می‌نشینند. در این رمان، جنگ نه در صدای گلوله، بلکه در لرزش دست‌هایی دیده می‌شود که هنوز برای دیگری غذا می‌برند یا کتابی را پنهان می‌کنند. در دل این تاریکی، کتاب‌ها معنای فراتر از چند برگ کاغذ پیدا می‌کنند. آن‌ها حافظه‌اند؛ حافظه جهانی که نمی‌خواهد تسلیم نفرت شود. لیزل با هر کتابی که می‌خواند، نه فقط خواندن، بلکه مقاومت را تمرین می‌کند. زوساک بی‌آن‌که شعاری بدهد، این حقیقت ساده را یادآوری می‌کند که حکومت‌ها می‌توانند کتاب‌ها را بسوزانند، اما نمی‌توانند میل انسان به روایت کردن را از میان ببرند. همین نگاه «کتاب‌دزد» را از یک رمان تاریخی فراتر می‌برد. کتاب درباره مهریانی نیز هست؛ درباره خانواده‌ای که جان خود را برای پنهان کردن یک نوجوان یهودی به خطر می‌اندازد، همسایه‌ای که در سخت‌ترین روزها سهم کوچکی از امید را تقسیم می‌کند و کودکانی که میان آوار، هنوز برای خندیدن دلیلی پیدا می‌کنند. در جهان زوساک، امید نه یک شعار، بلکه رفتاری کوچک و روزمره است. شاید به همین دلیل، این رمان امروز نیز برای خواننده ایرانی آشنا به‌نظر می‌رسد. در کمتر از یک سال گذشته، جامعه ما دو بار تجربه زیستن در سایه جنگ و ناامنی را از سر گذرانده است. هرچند زندگی دوباره به جریان افتاده، اما بسیاری از ما می‌دانیم که پس از هر بحران، چیزی در درون انسان تغییر می‌کند. اضطراب، خاطره و انتظار، مدتی طولانی‌تر از صدای انفجار در ذهن باقی می‌مانند. در چنین روزهایی، ادبیات دیگر فقط سرگرمی نیست؛ فرصتی است برای آن‌که انسان، خودش را دوباره پیدا کند. شاید ارزش واقعی «کتاب‌دزد» نیز در همین نکته باشد. این رمان نمی‌خواهد ثابت کند که کتاب‌ها می‌توانند جنگ را متوقف کنند؛ می‌خواهد یادآوری کند که می‌توانند مانع شوند جنگ، آخرین روایت زندگی انسان باشد. شهرها دوباره ساخته می‌شوند،

دیوارها از نو بالا می‌روند و خیابان‌ها دوباره شلوغ می‌شوند، اما اگر زبان، حافظه و داستان‌ها از میان بروند، چیزی از زندگی جز پوسته‌ای باقی نمی‌ماند. در نهایت، «کتاب‌دزد» بیش از آن‌که درباره جنگ باشد، درباره قدرت کلمه است؛ درباره این حقیقت که انسان، پیش از آن‌که با نان زنده بماند، با روایت زنده می‌ماند. شاید به همین دلیل است که بعضی کتاب‌ها فقط نمی‌خوانیم؛ آن‌ها را در روزهای دشوار، با خود زندگی می‌کنیم.



کتاب دزد

مارکوس زوساک

ترجمه فاطمه جابیک

نشر میلکان

۴۸۰ صفحه

۹۵۰۰۰ تومان

## زنان علیه زنان

بلقیس سلیمانی از بازتاب مناسبات اجتماعی و نسبت گذشته با حال در رمان جدیدش **کنیزکان عمارت ملک خانی** می‌گوید

رمان «کنیزکان عمارت ملک‌خانی»، جدیدترین اثر بلقیس سلیمانی است که در آن مرگ فرصتی است برای تسویه حساب‌ها و بازتعریف جایگاه‌های قدرت. او در این رمان، ما را به عمارتی می‌برد که رقابت برای تصاحب جایگاه «مادر بزرگ»، حتی سوگ و مرگ را نیز به ابزاری برای جنگ‌های زنانه بدل می‌کند.

«کنیزکان عمارت ملک‌خانی» هشدار است درباره فردایی که از پس کینه‌های امروز زاده می‌شود. بلقیس سلیمانی در گفت‌وگو با ایننا درباره تقابل میان عصیان فردی و ساختارهای سنتی در رمان «کنیزکان عمارت ملک‌خانی» می‌گوید: «حرکت‌های فردی لزوماً به تحول در ساختارها و نهادهای پیچیده و دیرپا منجر نمی‌شوند. اما بحث بر سر عاملیت انسان یا به قول امروزی‌ها سوژه است. این عاملیت فقط بر نمی‌گردد به ماحصل اجتماعی آن. بعضی مواقع ما عمل می‌کنیم چون به خودمان بدهکاریم. چون عمل یعنی انسان، یعنی همه چیز. ما به صرف این‌که آدم هستیم، موجودی عمل‌گرا هستیم. تاریخ تمدن ما این فرض را اثبات کرده است. با این وجود، تغییر ساختارها و تحول در نهادها هم ناشی از عاملیت انسان است.»

پیوستگی ساختارها و تداوم رنج

سلیمانی درباره نقش افسانه‌های عامیانه در شکل‌گیری روایت و زبان رمان تازه‌اش و این‌که فرم افسانه‌ای چه قابلیت‌هایی برای بیان رنج‌های تاریخی زنان دارد؛ می‌گوید: «موضوع، پیوستگی ساختارها و تداوم رنج است. دیروز و

گزارش: سینمای ایران

## حقیقتی به نام «گزارش»

به بهانه دهمین سالگرد درگذشت عباس کیارستمی

حسن تهرانی

کارگردان سینما



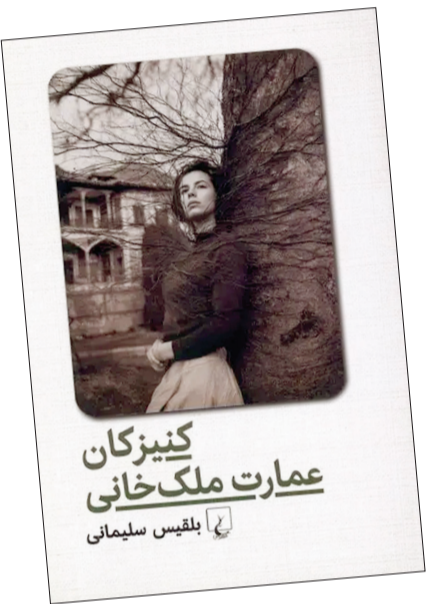
۱۴ تیرماه سالروز درگذشت عباس کیارستمی است؛ فیلم‌سازی که نامش سال‌هاست از مرزهای سینمای ایران عبور کرده و در حافظه سینمای جهان نشسته است. اما برای من، پیش از آن‌که کیارستمی نامی جهانی باشد، پیش از آن‌که «خانه دوست کجاست؟»، «کلوزآپ»، «زندگی و دیگر هیچ»، «زیر درختان زیتون»، «طعم گیلان» و «باد ما را خواهد برد» او را به قله‌های سینمای معاصر برسانند، عباس همان مرد آرام و دقیق و کم‌گویی بود که در شرکت نگاره با او آشنا شدم؛ سال‌هایی پیش از شهرت، پیش از آن‌که دوربین‌اش جهان را فتح کند، پیش از آن‌که جشنواره‌ها نامش را با احترام و حیرت بر زبان بیاورند.

آشنایی من با نگاره از طریق دوستی‌ام با زنده‌یاد فیروز شیروانلو، مدیر و بنیان‌گذار آن مجموعه شکل گرفت. همین دوستی بود که مرا به نگاره کشاند و در همان‌جا بود که برای نخستین‌بار با عباس کیارستمی آشنا شدم. آشنایی ما در نگاره، آشنایی با آدمی بود که از همان ابتدا نگاهش با دیگران فرق داشت. نه از آن دست تفاوت‌هایی که خود را فریاد می‌زند، بلکه از جنس تفاوتی آرام، پنهان، و ماندگار. کیارستمی اهل نمایش دادن خود نبود. نگاه می‌کرد، مکث می‌کرد، و انگار همیشه چیزی را می‌دید که دیگران از کنارش عبور می‌کردند. بعدتر دوستی ما در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ادامه پیدا کرد؛ جایی که بخشی از مهم‌ترین ریشه‌های سینمای نوین ایران در آن شکل گرفت. کانون فقط یک نهاد فرهنگی نبود؛ کارگاهی بود برای کشف زبان تازه، برای دور شدن از شعار، برای رسیدن به سادگی‌ای که در عمق خود پیچیده‌ترین پرسش‌ها را حمل می‌کرد.

سال‌ها گذشت. عباس کیارستمی به اوج شهرت جهانی رسید و طبیعی بود که مسیرهای ما از هم دور شود. دیگر آن ارتباط نزدیک گذشته را نداشتیم. اما بعضی آدم‌ها، حتی وقتی دور می‌شوند، اصل رفاقت را فراموش نمی‌کنند. سال‌ها بعد، در کتابخانه‌ای در آمریکا، وقتی میان سخنرانی او وارد شدم، عباس حرفش را قطع کرد تا به من خوشامد بگوید. این حرکت کوچک نبود. برای کسی که در برابر جمعی نشسته بود، برای هنرمندی که در اوج اعتبار جهانی بود، این مکث، این بریدن سخن، این به‌یاد آوردن یک رفیق قدیمی، نشان می‌داد که کیارستمی هنوز همان آدمی است که قدر رابطه را می‌داند. در جهانی که شهرت خیلی‌ها را از گذشته‌شان جدا می‌کند، عباس گذشته‌اش را با خود حمل

که خواست دیو است، مقاومت می‌کند و در این راه رنج می‌برد و بر زخم خود نمک می‌پاشد. طلوع خورشید هم به مثابه حضور نور، نجات‌بخش و رهایی‌بخش، و البته نقطه پایانی بر سلطه دیو است. بسیاری از عناصر فرهنگی و تمدنی ما، امکان‌ها و پتانسیل‌های گوناگون فرمی، زبانی و محتوایی در خود دارند که هنرمندان امروزی، به قدر دانایی و دریافت خود، می‌توانند از آن‌ها بهره ببرند.

نگاه کنید به پدیده قنات در ایران. شگفت‌انگیز است. آرزویم این است روزی بتوانم داستانی براساس فرم قنات بنویسم؛ چاه‌هایی تک که به هم مرتبط می‌شوند و جویباری زندگی‌بخش شکل می‌دهند. یا فی‌المثل، ما زیستگاهی در جامعه شهری ایران داشته و داریم به اسم اندرونی و بیرونی که معماری ویژه‌ای دارد و البته فرهنگ خاصی که بر نابرابری جنسیتی و اخلاق سنتی بنا شده، آن را تولید کرده است. حالا تصور کنید یک نویسنده خوش‌ذوقی روایت داستانی‌اش را براساس چنین فرمی سامان بدهد؛ یعنی یک روایت مرکزی و بسته و محدود و زن‌محور اندرونی داشته باشد و یک روایت گسترده و تلسکوپی و مردمحور بیرونی. فرم‌ها از حوزه‌ای به حوزه‌ای سفر می‌کنند و قدرت انطباق‌پذیری فراوانی دارند. به یک معنا، فرم‌ها از دل یکدیگر بیرون می‌آیند و در هر زایش، فرم تازه، به‌تبع زمانه و زمینه‌اش، هویت مستقلی می‌یابد، اما یتیم نیست. البته همواره و همیشه، آثار امروزی ادامه سرراست آثار و المان‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی نیستند. گاهی، فی‌المثل، نقیضه آن‌ها هستند. دن کیشوت چنین اثری است. یا نویسنده معنایی امروزی از اثر مراد



می‌کرد؛ بی‌ادعا، بی‌نمایش، اما صمیمی.

سینمای کیارستمی را اغلب با سکوت، جاده، کودک، درخت، روستا، پنجره، ماشین، و گفت‌وگوهای ساده به‌یاد می‌آورند. اما این سادگی، هرگز ساده‌انگاری نبود. او از همان آغاز فهمیده بود که سینما الزاماً در حادثه‌های بزرگ اتفاق نمی‌افتد. گاهی در نگاه یک کودک، در پرسش کوتاه یک روستایی، در تردید یک مرد پشت فرمان، یا در فاصله میان یک درخت و یک قبر، حقیقتی پنهان است که از هر درام پر سروصدايي عمیق‌تر است. «خانه دوست کجاست؟» شاید شاعرانه‌ترین بیان اخلاق در سینمای او باشد؛ سفری کودکانه که در ظاهر برای پس دادن یک دفترچه است، اما در باطن جست‌وجوی مسئولیت انسانی است. «کلوزآپ» یکی از درخشان‌ترین فیلم‌های تاریخ سینماست، درباره مرز باریک میان دروغ و رویا، میان جعل و آرزو، میان آدمی که می‌خواهد کسی دیگر باشد و جامعه‌ای که مجال بودن را از او گرفته است. «زندگی و دیگر هیچ» و «زیر درختان زیتون» نشان



THE REPORT

ویژه جام جهانی ۲۰۲۶

## درخشش هیولاهای جوان

شب رکوردشکنی مکزیک و صعود فرانسه و نروژ با گل‌های امپایه و هالند

در بیستمین روز جام جهانی ۲۰۲۶ و در مرحله یک‌شانزدهم نهایی تیم ملی مکزیک یکی از میزبانان مسابقات، توانست طلسم بازی چهارم جام جهانی را بشکند. در این شب فرانسه مقتدرانه صعود کرد و نروژ با گل دیرهنگام هالند از بازی دشوار برابر ساحل عاج جان سالم به‌در برد.

مکزیک در این دوره از رقابت‌ها با وجود میزبانی و کسب نتایج فوق‌العاده اما خیلی کمتر به چشم آمده است. شاید به این دلیل که تمام تمرکز رسانه‌ای و مخاطبان به ستاره‌های بزرگ و سرشناس که اغلب در آمریکا بازی‌هایشان را انجام می‌دهند، معطوف شده، این تیم مهم کمتر دیده شده است. با این حال، مکزیک در سه بازی مرحله گروهی سه برد به‌دست آورد و با شکست تیم شگفت‌انگیز جام، یکی از شایسته‌ترین‌ها در مرحله یک‌هشتم نهایی خواهد بود. این تیم همچنین با پیروزی در این مرحله، سرانجام به طلسم «بازی چهارم» در جام جهانی که از سال ۱۹۸۶ گریبانگیرش شده بود، پایان داد. در همین حال، فرانسه با نمایشی مقتدرانه سوئد را از پیش‌رو برداشت و نروژ نیز با گل دیرهنگام ارلینگ هالند از سد ساحل عاج گذشت تا رقابت‌های مرحله یک‌شانزدهم نهایی جام جهانی ادامه پیدا کند.

### بهترین نمایش روز

بهترین نمایش روز بیستم مسابقات را فرانسه ارائه کرد. یکی از مدعیان اصلی قهرمانی با پیروزی قاطع ۳ بر صفر برابر سوئد در ورزشگاه نیویورک / نیوجرسی، قدرت خود را به رخ کشید. کیلیان امپایه دو گل از سه گل فرانسه را به‌ثمر رساند؛ از جمله گلی زیبا که پس از یک همکاری چشم‌نواز با میشل اولیسه به‌دست آمد. فرانسه در این مسابقه با برتری کامل، ۲۵ شوت در برابر تنها ۸ شوت سوئد ثبت کرد. این مسابقه همچنین نخستین حضور دوباره دیدیه دشان روی نیمکت تیم ملی فرانسه پس از درگذشت مادرش بود. حریف بعدی فرانسه، پاراگوئه خواهد بود؛ تیمی که یک روز قبل یکی از بزرگ‌ترین شگفتی‌های جام را رقم زده بود.

در نخستین دیدار روز، ارلینگ هالند در نقش ناجی نروژ ظاهر شد و چهار دقیقه مانده به پایان مسابقه، گل پیروزی‌بخش تیمش را مقابل ساحل عاج به‌ثمر رساند تا نروژ با نتیجه ۲ بر یک راهی مرحله بعد شود. ساحل عاج که اندکی پیش از پایان نیمه نخست عقب افتاده بود، در نیمه دوم فرصت‌های زیادی خلق کرد و سرانجام با گل آمان دیاو بازی را به تساوی کشاند. اما بی‌توجهی مدافعان این تیم به هالند در دقیق پایانی باعث شد مهاجم منجستستی از فاصله نزدیک گل برتری را به‌ثمر برساند. در آخرین مسابقه روز، مکزیک در ورزشگاه آزتکا با نتیجه ۲ بر صفر اکوادور را شکست داد. خولیان کینیونس و راتول خیمنس هر دو در نیمه نخست گلزنی کردند تا کار آلتری را یکسره کنند. این مسابقه به دلیل رعدوبرق در منطقه، یک ساعت دیرتر آغاز شد، اما پس از شروع بازی، مکزیک کنترل مسابقه را در اختیار گرفت و نمایش برتری ارائه داد. پاداش این پیروزی، نخستین برد مکزیک در مراحل حذفی جام جهانی از سال ۱۹۸۶ بود. این تیم روز چهارشنبه خواهد فهمید که در مرحله بعد باید به‌مصاف برنده دیدار انگلیس و جمهوری دموکراتیک کنگو برود.

### درخشش امپایه

بدون تردید، دومین گل کیلیان امپایه مقابل سوئد شایسته عنوان بهترین گل روز بود. همکاری فوق‌العاده او با میشل اولیسه بار دیگر نشان داد چرا خط حمله فرانسه تا این اندازه ترسناک است. ضربه نهایی مهاجم رئال مادرید، مطابق انتظار، با کیفیتی فوق‌العاده همراه بود؛ اما آنچه این گل را خاص‌تر کرد، پاس در عمق دقیق و هنرمندانه اولیسه، ستاره بایرن مونیخ بود. او با این پاس، دفاع سوئد را کاملاً شکافت و امپایه را در موقعیت تک‌به‌تک قرار داد. با کوب ویدل زترستروم، دروازه‌بان سوئد، هیچ شانس برای مهار این ضربه نداشت. کیلیان امپایه علاوه بر ثبت بهترین گل روز، عنوان بهترین بازیکن روز را نیز به‌خود اختصاص داد. امپایه اکنون در ۱۸ مسابقه جام جهانی، ۱۸ گل به‌ثمر رسانده و همچنان در رقابت با لیونل مسی برای شکستن رکورد تاریخی گلزنی در این رقابت‌ها قرار دارد. اما تنها گلزنی نبود که او را متمایز کرد؛ عملکرد همه‌جانبه‌اش نیز فوق‌العاده بود. او علاوه بر دو گل، چهار پاس کلیدی نیز ثبت کرد؛ آماري که نشان می‌دهد توانایی بازی‌سازی او نیز در کنار قدرت گلزنی‌اش در بالاترین سطح قرار دارد. اگر جام جهانی پیش از این هم برای رقبا ترسناک بود، نمایش امپایه و فرانسه آن را حتی هراس‌انگیزتر کرده است.



جنون است یا مرگ. قبیله یک کلیت فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی است که سه دور خودش مرز می‌کشد و هر آن‌کس بیرون این مرز باشد، غریبه است یا دیگری. هر چه هست، «خویش» نیست. باشکوه‌ترین مرگ برای قبیله، مرگ در دفاع از مرزها و ارزش‌های قبیله و در دامن قبیله است. اما اردلان از قبیله بیرون زده است. همیشه کسانی هستند که از قبیله بیرون می‌زنند یا مرزهای قبیله را کمی آن‌سوتر می‌برند. این طبیعت آدمی و جامعه بشری است و خدا را شکر که چنین است؛ وگرنه جامعه انسانی در همان گام‌های اول شکل‌گیری‌اش متوقف می‌شد.»

### از منظر حال باید به گذشته نگریست

بلیقیس سلیمانی درباره بازخوانی خشونت‌های تاریخی و مناسبات ارباب‌رعیتی در رمانش می‌گوید: «گذشته، برخلاف تصور ما، زنده‌ترین بخش حیات فردی و اجتماعی ما است. اکنون و آینده ما را شکل می‌دهد و گاه مثل یک جسد متعفن روی پیکره زندگی، تاریخ، فرهنگ و اجتماع ما می‌افتد و توان حرکت، تغییر و حیات را از آن می‌گیرد. البته که می‌توان و باید گذشته را پاس داشت، از آن بهره گرفت و با آن وارد گفت‌وگو شد. اما همه این‌ها باید با توجه به افق حال انجام شود. از منظر حال باید به گذشته نگریست. حال باید سکوی پرش ما به گذشته باشد. ما باید گذشته را برای پاسخ‌گویی به بحران‌های امروزمان احضار کنیم و زمانی که آن را احضار می‌کنیم، میهوت شکوهش نشویم، از آن بت نسازیم، آرمانی‌اش نکنیم و آینده‌مان را در آن بنا نکنیم. باید چیزی را که به درد گذشته‌ای از مشکلات اکنون‌مان می‌شود از آن برگریسیم. خیلی از مواقع در زندگی فردی و جمعی‌مان گمان می‌کنیم گذشته را خاک کرده‌ایم و کلاً انسان دیگری شده‌ایم، غافل از اینکه گذشته سخت‌جان است و به این راحتی نمی‌میرد. بله، حتی روابط ارباب و رعیتی هم که به گمان‌مان به گذشته تعلق دارند، در روابط و مناسبات فردی و اجتماعی ما هنوز حضور دارند. فقط رنگ و لعاب امروزی می‌گیرند. در عمارت ملک‌خانسی هم، به‌رغم طوفانی که از راه رسیده، این مناسبات هم‌چنان زیربوستی و گاه آشکار حاکم هستند.»

او انسانی است گرفتار؛ آدمی که شاید بتوانیم دوستش نداشته باشیم، اما نمی‌توانیم او را نفهمیم، کیارستمی او را محاکمه نمی‌کند. فیلم قاضی نیست. نگاه می‌کند. و همین نگاه بی‌قضاوت، یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌های سینمای کیارستمی است. آنچه «گزارش» را برای ما ماندگار می‌کند، این است که فیلم هنوز در مرز میان سینمای اجتماعی و سینمای فلسفی ایستاده است. کیارستمی در اینجا از جامعه حرف می‌زند، اما نه با شعار. از فساد، فشار اقتصادی، بحران خانواده، خشونت پنهان مردانه، و بی‌پناهی زن می‌گوید، اما همه را در دل موقعیت‌هایی عادی و ملموس پنهان می‌کند. در «گزارش»، زندگی مثل پرونده‌ای اداری است که هر برگ‌اش زخمی تازه دارد. انگار انسان ایرانی در میان کاغذها، امضاها، سوءتفاهم‌ها و سکوت‌ها گم شده است. به همین دلیل، «گزارش» فقط یک فیلم اجتماعی نیست؛ فیلمی است درباره ناتوانی انسان در نجات دادن خودش. شخصیت‌ها حرف می‌زنند، اما به‌هم نمی‌رسند. خانه هست، اما پناه نیست. ازدواج هست، اما آرامش نیست. قانون هست، اما عدالت نیست. اداره هست، اما نظم اخلاقی نیست. و این همان جایی است که کیارستمی، پیش از آنکه به شاعر بزرگ جاده‌ها و سکوت‌ها تبدیل شود، چهره تلخ و بی‌رحم شهر را ثبت می‌کند.

در آثار بعدی، کیارستمی گاه از جهان فاصله می‌گیرد تا به جوهر آن برسد. اما در «گزارش»، هنوز به جهان چسبیده است؛ به دیوارهای تنگ، به اتاق‌های خفه، به روابط فرسوده، به اضطراب معاش، به مردمی که نمی‌دانند چگونه باید با رنج خود کنار بیایند. شاید به همین دلیل است که من این فیلم را بیش از بسیاری از شاهکارهای جهانی شده دوست دارم. چون «گزارش» زخمی‌تر است. کمتر تزیین شده است. کمتر تبدیل به نشانه شده است. بیشتر زندگی است. کیارستمی بعدها استاد حذف شد؛ استاد نگفتن، استاد فاصله، استاد سپردن معنا به تماشاگر. اما در «گزارش»، هنوز چیزهایی را مستقیم‌تر لمس می‌کند. فیلم انگار دستش را روی نبض جامعه گذاشته و می‌گوید: اینجا درد می‌کند. همین صداقت بی‌واسطه، برای من ارزشمند است. «گزارش» به ما نشان می‌دهد که کیارستمی پیش از آنکه شاعر جهانی سینما شود، ناطری دقیق بر زخم‌های زمانه خود بود. عباس کیارستمی را نمی‌توان تنها با جوایزش شناخت. نخل طلا، ستایش منتقدان بزرگ، حضور در موزه‌ها و دانشگاه‌ها، همه مهم‌اند، اما کافی نیستند. کیارستمی را باید در همان مک‌های شناخت؛ در نگاهش به کودکی که راه خانه دوست را می‌پرسد، در چهره مردی که می‌خواهد بمیرد اما هنوز به طعم گیلان فکر می‌کند، در بازیگری که در «کلوزآپ» هم مجرم است و هم قربانی رویا، و در مرد خسته «گزارش» که زیر بار زندگی خرد می‌شود و من، در سالروز تولد او، بیش از هر چیز عباس را به یاد می‌آورم؛ نه فقط کیارستمی جهانی را. عباس نگاره، عباس کانون، عباس دوستی‌های قدیمی، عباس مکتبی در میان یک سخنرانی در آمریکا برای خوشامد گفتن به رفیقی که سال‌ها دور مانده بود.

شاید راز بزرگی کیارستمی همین بود: او جهان را دید، اما جزئیات کوچک را فراموش نکرد. به قله رسید، اما گذشته را از یاد نبرد. سینمایش جهانی شد، اما ریشه‌هایش در خاک ایران ماند. و «گزارش»، برای من، یکی از عمیق‌ترین نشانه‌های همان ریشه‌هاست؛ فیلمی که نشان می‌دهد پیش از آنکه عباس کیارستمی به شاعر جاده‌ها و سکوت‌ها بدل شود، با شجاعت و صداقت، به اتاق‌های تاریک زندگی ایرانی نگاه کرده بود.



است. توان کافی و آگاهی لازم را برای درهم‌شکستن این ساختار ندارند. به قول ساره، حداکثر بتوانند خشتی از این عمارت کهنه بیرون بیاورند، اما هر یک دشمنی دم‌دست دارند که می‌توانند او را سیل کنند و این کار را می‌کنند. از طرفی، وقتش رسیده دست از تقدس‌سازی نقش‌های زنانه برداریم. درست است زن به علل بیولوژیک، که مهم‌ترینش فرزندآوری است، و نقش‌هایی که در طول تاریخ در نگهداری از خانواده برعهده داشته‌اند، بیشتر از مردان مستعد هم‌دلی و همبستگی هستند، اما به‌اندازه مردان میل به بقا و حفظ قلمرو، رانه آن‌ها در کنش‌های‌شان است.

### در کشاکش با قبیله

سلیمانی درباره این‌که آیا مرگ مرزومز شخصیت «اردلان» به‌عنوان جوانی تحصیل‌کرده در غربت، بازتابی از سرنوشت مدرنیته در برخورد با دیوارهای نفوذناپذیر سنت است؟ می‌گوید: «می‌توان واژه «غربت» را دروازه ورود به بحث کرد. در رمان، همه اعضای خانواده از غرب‌مرگی اردلان و غرب‌گویی او حرف می‌زنند و بر آن مویه می‌کنند. در یک ساختار بسته قبیله‌ای، فرد هویتش را از گروه و قبیله می‌گیرد. فرد همان قبیله است؛ برای همین در کشاکش‌ها همواره کل قبیله درگیر می‌شود. مجنون یا رومنو فرد نیستند، قبیله‌اند، کلیت‌اند. برای همین آزادی عمل ندارند. برای همین نهایت کارشان یا

می‌کند برای بیان تفاوت امروز و دیروز. مثلاً اولیس جیمز جویس چنین اثری است. در رمان کنیزکان نیز خاله سسپتیک امروز بیدار می‌ماند، اما نه برای نجات دیگران، دست‌کم آن‌جور که ما توقع داریم. او بیدار می‌ماند تا آتش درونش خاموش نماند.»

### زن‌ها همیشه در یک جبهه قرار نمی‌گیرند

بلیقیس سلیمانی درباره این‌که خشونت زن علیه زن در رمانش ریشه در چه مناسبات اجتماعی یا بی‌بست‌های روانی دارد؟ می‌گوید: «همواره و همیشه زنان مه‌دل و هم‌بسته نبوده و نیستند. این را ناصرالدین‌شاه خوب دریافته بود که بنا به روایتی، در حرم‌سرایش بازی‌ای مازوخیستی راه انداخته بود که در آن، زنان در خاموشی چراغ‌ها کینه‌های خود را از رقیب به منصفه ظهور می‌رساندند. چراغ‌ها که روشن می‌شدند، شاه شهید گوش جرح‌خورده می‌دید و موی کنده‌شده و چاو زرخندان پر از خون. البته که می‌توان تحلیل‌های دقیق ارائه کرد از جرایم و چگونگی زخم زدن زن‌ها بر پیکر و روح و روان یکدیگر. اما فعلاً بپذیریم زن‌ها همواره و همه‌جا در یک جبهه قرار نمی‌گیرند. گاهی و اغلب حکم پیاده‌نظام ساختار مردسالارانه را دارند. تلفات می‌دهند جهت تثبیت همان ساختاری که به بندشان کشیده است. در رمان کنیزکان، زن‌ها بیشتر قربانی شرایطی هستند که ساختار قبیله‌ای بر آنان تحمیل کرده

دادند که کیارستمی چطور می‌تواند از دل ویرانی، تداوم زندگی را بیرون بکشد، بی‌آنکه به احساسات‌گرایی سقوط کند. «طعم گیلان» با آن سادگی ظاهری‌اش، یکی از عمیق‌ترین تأملات سینما درباره مرگ و انتخاب است. «باد ما را خواهد برد» نیز شعری سینمایی است درباره انتظار، مرگ، زندگی، و ناتوانی انسان مدرن در فهم جهان‌های ساده‌تر اما عمیق‌تر. با این همه، برای من بهترین فیلم کیارستمی «گزارش» است. شاید برای بسیاری عجیب باشد. چون «گزارش» کمتر از آثار بعدی او در جهان دیده و ستایش شده است. نه آن شهرت جهانی «طعم گیلان» را دارد، نه آن ساختار حیرت‌انگیز «کلوزآپ» را، نه آن لطافت اخلاقی «خانه دوست کجاست؟» را. اما «گزارش» فیلمی است که به گمان من، کیارستمی در آن یکی از صادقانه‌ترین، تلخ‌ترین و انسانی‌ترین تصویرهای خود را از جامعه ایران و انسان گرفتار در آن ارائه می‌دهد.

«گزارش» فیلمی است درباره فروپاشی؛ فروپاشی یک زندگی، یک رابطه، یک مرد، و شاید یک طبقه شهری. فیلم درباره آدمی است که در ظاهر در نظام اداری و خانوادگی زندگی می‌کند، اما در درون، همه‌چیز در او ترک برداشته است. کیارستمی در این فیلم هنوز به آن شکل مینیمالیستی و شاعرانه بعدی خود نرسیده، اما همین خامی نسبی، همین نزدیکی به واقعیت تلخ شهری، به فیلم نیروی عجیب می‌دهد. «گزارش» بوی زندگی می‌دهد؛ زندگی‌ای که زیبا نیست، مرتب نیست، و قرار نیست تماشاگر را آرام کند. در «گزارش»، کیارستمی به جای آنکه از دور به انسان نگاه کند، او را در فشار روزمره قرار می‌دهد. اداره، خانه، خیابان، پول، سوءظن، خستگی، تحقیر، و ناتوانی عاطفی، همه درهم می‌پیچند. شخصیت اصلی فیلم نه قهرمان است، نه ضدقهرمان به‌معنای رایج.





سال نهم شماره ۲۲۶۸  
پنج‌شنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵

**دیدگاه: تحلیل اقتصادی**

## دست‌بوتر خریداران

**دلیل رشد شاخص‌های بورس چه بود؟**

<b>نسرین خدادادی</b>
<div>گروه اقتصاد</div>

معاملات بورس تهران دیروز در فضایی آرام و متعادل آغاز شد اما هرچه از زمان معاملات گذشت، برتری خریداران آشکارتر شد و بازار با افزایش تقاضا، یکی از بهترین روزهای خود در هفته جاری را پشت سر گذاشت. برخلاف انتظار بسیاری از فعالان بازار که تصور می‌کردند، نزدیک شدن به تعطیلات چند روزه بورس موجب افزایش عرضه و شناسایی سود شود، جریان معاملات مسیر دیگری را پیش گرفت و سرمایه‌گذاران با حفظ موقعیت‌های خود و افزایش خرید، سیگنال مثبتی نسبت به چشم‌انداز بازار پس از پایان تعطیلات ارسال کردند. در پایان معاملات، شاخص کل بورس با رشد ۵۹ هزار و ۶۲۹ واحدی معادل ۱.۱۶ درصد به سطح ۵ میلیون و ۱۸۷ هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۱۹ هزار و ۶۶۱ واحدی معادل ۱.۴۷ درصد، در ارتفاع یک میلیون و ۲۴۶ هزار واحد ایستاد. رشد بیشتر شاخص هم‌وزن نسبت به شاخص کل نشان می‌دهد که نمادهای کوچک و متوسط همچنان با استقبال بیشتری از سوی سرمایه‌گذاران مواجه هستند و رونق معاملات تنها به چند سهم بزرگ و شاخص‌ساز محدود نشده است. بازار در دقایق ابتدایی، روندی مثبت اما بدون هیجان را تجربه می‌کرد و شاخص‌ها با شیبی ملایم افزایش می‌یافتند. با این حال پس از گذشت حدود یک ساعت از آغاز معاملات، جریان نقدینگی تقویت شد و خریداران با قدرت بیشتری وارد بازار شدند. همین تغییر در سمت تقاضا باعث شد بسیاری از نمادهایی که تا آن زمان تنها در محدوده مثبت معامله می‌شدند با افزایش سفارش‌های خرید به صف خرید برسند و فضای کلی بازار به‌مراتب پررونق‌تر از ساعات ابتدایی شود. آمارهای معاملاتی نیز به‌خوبی این برتری را تأیید می‌کنند. در پایان دادوستدها ۶۹۱ نماد با رشد قیمت به کار خود پایان دادند و تنها ۱۲۴ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند. همچنین ۴۲۵ نماد با صف خرید بسته شدند، درحالی که تنها ۲۶ نماد در صف فروش باقی ماندند. این نسبت، تصویری روشن از غلبه تقاضا بر عرضه در معاملات روز چهارشنبه ارائه می‌دهد. بررسی سفارش‌های ثبت شده نیز همین روند را نشان می‌دهد. ارزش سفارش‌های خرید در پایان بازار به ۱۱ هزار و ۱۱۸ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها ۶۸۲ میلیارد تومان بود. فاصله قابل‌توجه میان این دو رقم بیانگر آن است که تقاضای بالقوه در بازار همچنان بسیار بیشتر از عرضه است و خریداران تا آخرین دقایق معاملات دست بالا را در اختیار داشتند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات روز چهارشنبه، رفتار متفاوت سرمایه‌گذاران در آستانه تعطیلات طولانی بورس بود. معمولاً در روزهای منتهی به تعطیلات چند روزه، بخشی از معامله‌گران برای کاهش ریسک ناشی از اخبار و تحولات احتمالی، اقدام به فروش سهام می‌کنند و همین موضوع به افزایش عرضه و افت نسبی بازار منجر می‌شود. اما این بار چنین الگویی مشاهده نشد. نمتها فشار فروش افزایش نیافت بلکه با گذشت زمان، تقاضا تقویت شد و بازار با شریاطی مطلوب‌تر نسبت به ابتدای روز به کار خود پایان داد. این رفتار را می‌توان نشانه‌ای از افزایش اعتماد فعالان بازار به روند آبی بورس دانست. به‌منظر می‌رسد بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند به‌جای خروج از بازار موقعیت‌های خود را حفظ کنند و حتی بر میزان خریدهایشان بیفزایند؛ موضوعی که می‌تواند از انتظار آنان برای تداوم فضای مثبت معاملات پس از پایان تعطیلات حکایت داشته باشد. در بخش نقدینگی نیز نشانه‌های امیدوارکننده‌ای دیده شد. ارزش معاملات خرد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۲۴ هزار و ۱۴۸ میلیارد تومان رسید. اگرچه این رقم همچنان فاصله قابل‌توجهی با روزهای اوج رونق بازار دارد و نسبت به آن دوره بیش از ۵۰ درصد کمتر است اما همچنان در سطحی قرار دارد که از تداوم فعالیت سرمایه‌گذاران و گردش مناسب نقدینگی در بازار حکایت می‌کند. همچنین یک هزار و ۷۸۶ میلیارد تومان ورود پول حقیقی به بازار سهام ثبت شد؛ رقمی که نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاران حقیقی همچنان خریدار خالص بازار هستند و جریان ورود نقدینگی به بورس ادامه دارد. در مقابل صندوق‌های درآمد ثابت نیز ۹۳۱ میلیارد تومان جذب سرمایه داشتند که بیانگر آن است که بخشی از سرمایه‌گذاران همچنان رویکردی محتاطانه را دنبال می‌کنند و بخشی از منابع خود را در دارایی‌های کم‌ریسک نگه می‌دارند. با این حال برآیند کلی معاملات روز چهارشنبه کاملاً به سود خریداران بود. رشد هم‌زمان شاخص‌ها، برتری چشمگیر تعداد نمادهای مثبت، صف‌های خرید پرشمار، ورود پول حقیقی و نبود فشار فروش در آستانه تعطیلات همگی نشان می‌دهد، بورس تهران نگاه معاملاتی را با فضایی امیدوارکننده به پایان رساند. اکنون نگاه فعالان بازار به نخستین روز کاری پس از تعطیلات دوخته شده است؛ جایی که مشخص خواهد شد آیا این موج تقاضا می‌تواند به روندی پایدار تبدیل شود یا بازار بار دیگر در معرض نوسانات ناشی از تحولات سیاسی و اقتصادی قرار خواهد گرفت.

# توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

# شلیک به سرمایه

## جنگ چه بر سر سرمایه‌گذاری خارجی در خلیج فارس آورد؟

<b>مهتا معرفت</b>
<div>منترجم</div>

مدیران یکی از صندوق‌های بزرگ سرمایه‌گذاری در لندن دور میز جمع شده‌اند. روی نمایشگر، نقشه خاورمیانه با نقاط قرمز چشمک می‌زند. قیمت نفت بالا رفته، شرکت‌های بیمه نرخ‌های جدید اعلام کرده‌اند و گزارش تازه‌ای از تشدید تنش‌ها روی میز قرار دارد. قرار است درباره سرمایه‌گذاری در یک پروژه جدید در حاشیه خلیج‌فارس تصمیم بگیرند اما بحث نه بر سر نرخ بازده بلکه درباره امنیت مسیرهای کشتیرانی، احتمال گسترش درگیری و آینده ثبات منطقه است. در نهایت، تصمیم به تعویق می‌افتد. این بخشی بسیار کوچک از واقعیت‌های جنگ است. جنگ پیش از آنکه کارخانه‌ای را ویران کند یا خط لوله‌ای را از کار بیندازد، اعتماد سرمایه‌گذاران را هدف می‌گیرد که مهم‌ترین دلیل کشورها برای جذب سرمایه خارجی به‌شمار می‌رود. تازه‌ترین آمارها نیز همین واقعیت را تأیید می‌کنند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خاورمیانه طی فاصله مارس تا مه به ۱۹۱ پروژه کاهش یافته که نسبت به اوج دوره مشابه سال ۲۰۲۵ حدود ۶۷ درصد افت نشان می‌دهد. حتی امارات، که همچنان بزرگ‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری منطقه است، از حدود ۴۰۰ پروژه در سال گذشته به ۱۲۷ پروژه سقوط کرده است.

اما چرا این اتفاق رخ داده است؟

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش اعتماد سرمایه‌گذاران به ثبات اقتصادی و سیاسی کشوراست. برخلاف سرمایه‌های مالی که می‌توانند ظرف چند ساعت از یک بازار خارج شوند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معمولاً تعهدی بلندمدت است؛ تعهدی که با ساخت کارخانه، ایجاد مراکز تحقیق و توسعه، توسعه زیرساخت‌ها یا راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید همراه می‌شود. به همین دلیل هرگونه افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی به‌ویژه وقوع جنگ، نخستین اثر خود را بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد. تحولات اخیر منطقه و جنگ میان ایران و اسرائیل نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. آمارها نشان می‌دهد که این بحران، حتی کشورهایی که مستقیماً درگیر جنگ نبودند را با افت قابل‌توجه در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مواجه کرده است. بررسی روند سرمایه‌گذاری در منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد که تنها در فاصله ماه‌های مارس تا مه مجموعاً ۱۹۱ پروژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه ثبت شده است؛ رقمی که نسبت به اوج ثبت شده در دوره مشابه سال ۲۰۲۵ حدود ۶۷ درصد کاهش یافته است. این افت تنها یک

**دیدگاه: یادداشت اقتصادی**

# خودساخته‌ها

## آیا میلیاردرها همه چیز را از خودشان دارند؟

<b>سعید مشهوری</b>
<div>گروه اقتصاد</div>

تصور رایج درباره ثروتمندان جهان این است که بخش بزرگی از آنها ثروت خود را به ارث برده‌اند و موفقیت مالی‌شان بیش از آنکه حاصل کارآفرینی و نوآوری باشد، نتیجه تولد در خانواده‌های ثروتمند است. اما تازه‌ترین آمارهای فوربس از هزار میلیاردر برتر جهان، تصویری متفاوت از منشأ ثروت در اقتصاد جهانی ارائه می‌دهد؛ تصویری که نشان می‌دهد برخلاف این ذهنیت، اکثریت میلیاردرهای جهان ثروت خود را ساخته‌اند، نه اینکه آن را به ارث برده باشند. براساس این داده‌ها، ۶۱.۶درصد از هزار میلیاردر برتر جهان در گروه «کاملاً خودساخته» قرار می‌گیرند؛ افرادی که بدون برخورداری از میراث خانوادگی با راه‌اندازی کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری، نوآوری یا توسعه شرکت‌های خود توانسته‌اند به جمع ثروتمندترین افراد جهان راه پیدا کنند. در مقابل

نوسان آماری نیست بلکه بیانگر کاهش محسوس اشتهای سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای ورود به منطقه‌ای است که طی ماه‌های اخیر با افزایش ریسک‌های امنیتی، نااطمینانی سیاسی و نگرانی نسبت به آینده مواجه بوده است. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در شرایطی رخ داده که کشورهای حوزه خلیج‌فارس طی سال‌های اخیر میلیاردها دلار برای توسعه‌بخشی به اقتصاد خود هزینه کرده‌اند. برنامه‌هایی مانند «چشم‌انداز ۲۰۳۰» عربستان سعودی، توسعه اقتصاد دیجیتال در امارات، سرمایه‌گذاری قطر در فناوری‌های نوین و تلاش عمان و بحرین برای جذب سرمایه‌های صنعتی همگی بر این فرض استوار بودند که منطقه می‌تواند به یکی از مهم‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری جهان تبدیل شود. اما جنگ مهم‌ترین پیش‌نیاز تحقق این هدف یعنی «ثبات» را زیر سوال برد. در میان کشورهای منطقه، امارات متحده عربی همچنان جایگاه نخست را در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حفظ کرده است. این کشور طی دوره مورد بررسی موفق به جذب ۱۲۷ پروژه سرمایه‌گذاری شده که فاصله قابل‌توجهی با سایر کشورهای منطقه دارد. با این حال همین کشور نیز از آثار جنگ در امان نمانده است. تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری در امارات نسبت به حدود ۴۰۰ پروژه در مدت مشابه سال گذشته افتی چشمگیر را تجربه کرده است. این آمار نشان می‌دهد که حتی امن‌ترین و باثبات‌ترین اقتصاد منطقه نیز نمی‌تواند خود را به‌طور کامل از پیامدهای افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی مصون نگه دارد. علت این واکنش سریع سرمایه‌گذاران را باید در ماهیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جست‌وجو کرد. سرمایه‌گذاران بین‌المللی پیش از هر چیز به‌دنبال پیش‌بینی‌پذیری هستند. آنها می‌توانند با مالیات بالاتر یا حتی هزینه‌های تولید بیشتر کنار بیایند اما نسبت به نااطمینانی حساسیت بسیار بالایی دارند. احتمال گسترش جنگ، اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل، افزایش هزینه بیمه، تهدید زیرساخت‌های انرژی و دشوار شدن دسترسی به بازارهای منطقه همگی عواملی هستند که بازده مورد انتظار پروژه‌های سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند. از سوی دیگر منطقه خلیج‌فارس طی دهه‌های گذشته همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های سرمایه‌گذاری انرژی شناخته شده است. اما در سال‌های اخیر، دولت‌های منطقه تلاش کرده‌اند، تصویر تازه‌ای از اقتصاد خود ارائه دهند؛ اقتصادی که تنها به نفت وابسته نیست و در حوزه‌هایی مانند گردشگری، فناوری، خدمات مالی، لجستیک، هوش مصنوعی و صنایع پیشرفته نیز ظرفیت رشد دارد. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند، روند این گذار اقتصادی را با چالش مواجه کند زیرا بسیاری از پروژه‌های بزرگ توسعه‌ای بر مشارکت شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی متکی هستند. پیامد دیگر جنگ

افزایش هزینه سرمایه است. وقتی ریسک منطقه بالا می‌رود سرمایه‌گذاران برای ورود به پروژه‌ها، نرخ بازده بیشتری مطالبه می‌کنند. این موضوع به افزایش هزینه تأمین مالی پروژه‌ها منجر می‌شود و در نهایت بخشی از طرح‌های اقتصادی را از توجیه خارج می‌کند. حتی شرکت‌هایی که تصمیم به خروج کامل از منطقه نمی‌گیرند، ممکن است پروژه‌های جدید خود را به تعویق بیندازند یا منابع مالی را به بازارهایی با ریسک کمتر منتقل کنند. در چنین شرایطی، رقابت میان کشورهای منطقه برای جذب سرمایه نیز وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. امارات، عربستان سعودی و قطر احتمالاً تلاش خواهند کرد با ارائه مشوق‌های مالیاتی، تسهیل مقررات و تضمین‌های بیشتر، بخشی از نگرانی سرمایه‌گذاران را کاهش دهند. با این حال تجربه نشان داده که هیچ مشوق اقتصادی نمی‌تواند جایگزین ثبات سیاسی و امنیتی شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیش از هر چیز به افق بلندمدت نگاه می‌کند و تا زمانی که آینده منطقه مبهم باشد، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری نیز با احتیاط بیشتری اتخاذ خواهد شد. در کنار آثار مستقیم جنگ، پیامدهای غیرمستقیم نیز قابل‌توجه است. افزایش هزینه حمل‌ونقل دریایی، رشد نرخ بیمه کشتی‌ها، نگرانی نسبت به امنیت تنگه هرمز و احتمال اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی همگی بر ارزیابی سرمایه‌گذاران اثر می‌گذارند. بسیاری از شرکت‌های چندملیتی اکنون علاوه بر هزینه‌های اقتصادی، شاخص‌های ژئوپلیتیکی را نیز در مدل‌های تصمیم‌گیری خود وارد کرده‌اند؛ موضوعی که باعث می‌شود حتی احتمال وقوع درگیری نیز بر جریان سرمایه اثرگذار باشد. با این همه نباید از ظرفیت‌های بلندمدت منطقه غافل شد. کشورهای حوزه خلیج‌فارس همچنان از مزیت‌هایی مانند ذخایر عظیم انرژی، صندوق‌های ثروت ملی قدرتمند، زیرساخت‌های پیشرفته، موقعیت ممتاز جغرافیایی و بازار مصرف رو به‌رشد برخوردارند. اگر تنش‌های سیاسی کاهش یابد و چشم‌انداز امنیتی منطقه بهبود پیدا کند، احتمال بازگشت سرمایه‌گذاران نیز وجود دارد؛ همان‌گونه که در دوره‌های گذشته، پس از فروکش کردن بحران‌ها، بخشی از سرمایه‌های خارجی دوباره به منطقه بازگشته‌اند. با این حال تجربه اخیر یک پیام روشن برای سیاستگذاران منطقه دارد: توسعه اقتصادی بدون امنیت پایدار امکان‌پذیر نیست. رقابت برای جذب سرمایه دیگر صرفاً بر سر کاهش مالیات یا ایجاد مناطق آزاد تجاری نیست بلکه بر سر ایجاد محیطی قابل پیش‌بینی، باثبات و امن است. سرمایه‌گذاران جهانی بیش از هر زمان دیگری میان فرصت‌های اقتصادی و ریسک‌های ژئوپلیتیکی توازن برقرار می‌کنند و در چنین فضایی هرگونه تشدید تنش می‌تواند، میلیاردها دلار سرمایه بالقوه را از منطقه دور کند. کاهش ۶۷ درصدی پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در فاصله‌های کوتاه و افت شدید تعداد پروژه‌ها حتی در امارات متحده عربی، نشان می‌دهد که جنگ تنها اقتصاد کشورهای درگیر را تحت‌تأثیر قرار نمی‌دهد بلکه کل اکوسیستم سرمایه‌گذاری خاورمیانه را آسیب‌پذیر می‌کند. از این منظر، مهم‌ترین سرمایه‌ای که کشورهای منطقه باید برای حفظ آن تلاش کنند، نه صرفاً منابع مالی یا ذخایر انرژی بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران است. اعتمادی که ساختن آن سال‌ها زمان می‌برد اما از دست رفتنش ممکن است تنها در چند هفته بحران و جنگ رخ دهد.

<b>دیدگاه: یادداشت اقتصادی</b>
<div>گروه اقتصاد</div>

رسیده است. البته این به‌معنای بی‌اهمیت بودن ارث نیست. خانواده‌های ثروتمند همچنان سهم قابل‌توجهی در میان میلیاردرهای جهان دارند و انتقال بین‌نسلی ثروت در بسیاری از کشورها ادامه دارد.

با این‌حال داده‌های فوربس نشان می‌دهد که حتی در میان ثروتمندترین افراد جهان نیز وزن کارآفرینان و سازندگان کسب‌وکار از وارثان بیشتر است. از سوی دیگر این آمار پیام مهمی برای سیاستگذاران نیز دارد. اقتصادهایی که امکان راه‌اندازی کسب‌وکار، جذب سرمایه، حمایت از نوآوری و رقابت آزاد را فراهم می‌کنند بیش از سایر کشورها، زمینه خلق ثروت‌های جدید را به‌وجود می‌آورند. در مقابل، اقتصادهایی که با موانع گسترده، انحصار، نااطمینانی یا محدودیت‌های نهادی رویه‌رو هستند، فرصت ظهور کارآفرینان بزرگ را کاهش می‌دهند و سهم ثروت‌های موروثی یا رانتی در آنها بیشتر می‌شود. در مجموع، آمار هزار میلیاردر برتر جهان این برداشت رایج را به چالش می‌کشد که ثروت‌های بزرگ عمدتاً محصول ارث و میراث هستند. واقعیت این است که در اقتصاد امروز جهان «بیش از ۶نفر از هر ۱۰ میلیاردر، ثروت خود را ساخته‌اند نه اینکه آن را به ارث برده باشند.» این یافته نشان می‌دهد که نوآوری، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی همچنان مهم‌ترین مسیرهای خلق ثروت در اقتصاد جهانی به‌شمار می‌روند و ثروت‌های افسانه‌ای، بیش از آنکه «قدیمی» باشند، «ساختنی» هستند.

# در تبوتاب وداع

## پایتخت برای بدرقه رهبر شهید آماده می شود



■ سیستم مهپاش: تجهیز ۳۰ هزار مترمربع از صحن مصلى و ۱۲۰۰ نقطه از مسیرهای تشییع به سیستم‌های مهپاش توسط سازمان آتش‌نشانی.

■ آمادهباش آتش‌نشانی: استقرار ۶ هزار آتش‌نشان به همراه ۴۰۰ نیروی داوطلب به‌صورت ۲۴ ساعته در ۷۰ نقطه عملیاتی مصلى و طول مسیر ۲۰ کیلومتری تشییع.

### غرفه‌های گمشدگان و توزیع کارت‌های شناسایی

سازمان مدیریت بحران با توجه به احتمال اختلال مقطعی در شبکه‌های مخابراتی به دلیل تراکم جمعیت، از خانواده‌ها خواسته است پیش از ورود به مسیر، محل قرار مشخصی تعیین کنند. همچنین حدود ۵۰ غرفه ستاد گمشدگان با حضور روان‌شناسان و نیروهای داوطلب در طول مسیر و زائرشهرها دایر خواهد شد.

یکی از اقدامات پیشگیرانه دیگر، طراحی و توزیع کارت‌های شناسایی ویژه در مراکز اسکان و نقاط پرازدحام است. روی این کارت‌ها اطلاعات هویتی، شماره تماس نزدیکان، بیماری‌های زمینه‌ای و حساسیت‌های دارویی زائران درج می‌شود تا در صورت بروز حادثه یا گرمزدگی، روند امدادرسانی اورژانس تسریع شود.

جمعیت هلال‌احمر نیز با به‌کارگیری ۲۵ هزار نیروی داوطلب، ۳۵۸ آمبولانس و ۴ بالگرد امدادی، پشتیبانی عملیات را برعهده دارد و ۹ استان کشور را به‌عنوان معین پایتخت مستقر کرده است. مقامات مسئول در پایان بر این نکته تأکید کرده‌اند که موفقیت این لجستیک عظیم و بی‌سابقه، بیش از هر چیز به رعایت توصیه‌های ایمنی، پرهیز از سفرهای غیرضروری شهروندان تهرانی و استفاده حداکثری از ناوگان حمل‌ونقل عمومی بستگی دارد.

و مراکز اقامتی پایتخت با ارائه تخفیف ۵۰ درصدی از روز جمعه تا سه‌شنبه به مدار خدمت آمده‌اند. اما بخش اصلی بار اسکان بر دوش فضاهای عمومی است.

استاندار تهران اعلام کرد، نزدیک به ۶ هزار مدرسه در سطح استان تجهیز شده‌اند که ۵ هزار واحد آن مستقیماً در شهر تهران قرار دارد. علاوه بر این درمانگاه‌ها، آشپزخانه‌ها و ظرفیت شبستانی بیش از ۱۲۰ مسجد بزرگ در قالب نخستین تجربه عملیاتی «محل‌محوری» برای اسکان و تغذیه رایگان زائران فعال شده‌اند. برای مدیریت منظم‌تر هر یک از مناطق ۲۲‌گانه شهرداری تهران به‌عنوان میزبان یک یا چند استان معین کشور تعیین شده‌اند. در لایه دوم پشتیبانی ۱۶ شهرستان استان تهران نیز در وضعیت آمادهباش قرار دارند تا در صورت تکمیل ظرفیت پایتخت، پذیرای زائران باشند.

### دغدغه اصلی: مهار گرمزدگی و مدیریت بحران

همزمانی این رویداد با گرمای شدید تیرماه، مدیریت بحران و سلامت را به اولویت اول دفتر رهبری و دستگاه‌های اجرایی تبدیل کرده است. علی‌نصیری، رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران تهران، با هشدار نسبت به اوج گرما در ساعات ۱۴ تا ۱۸ گرمزدگی و مخاطرات تجمع روی پل‌های عابر پیاده را مهم‌ترین دغدغه‌های ایمنی خواند.

برای مقابله با این چالش، تمهیدات زیر در نظر گرفته شده است: ■ بیمارستان‌های سیار: استقرار ۶ بیمارستان تخصصی با ۶۰۰ تخت فعال و ۲۰۰ تخت پشتیبان در مصلى به همراه احداث دو بیمارستان صحرایی توسط نیروهای مسلح در خارج از ریگ مرکزی.

■ ناوگان اورژانس: استقرار ۲۰۰ آمبولانس، ۳۸ اتوبوس آمبولانس و ۳۰۰ موتورولانس در سراسر مسیر.

### فصل بزرگراه‌ها: از خطوط ویژه تا پارک یک میلیون خودرو

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های این تشییع کم‌سابقه، هدایت شبکه ترافیکی و مسافران برون‌شهری است. پلیس راهور با اتکا به سه اصل «محدودسازی هدفمند، مدیریت هوشمند و فرماندهی متمرکز» یک طرح چهارحلقه‌ای را در تهران پیاده خواهد کرد:

■ حلقه اول (مرکزی): انسداد کامل و ۱۰۰ درصدی تردد و پارک خودروها تا شعاع ۱۰۰ متری عمود بر محورهای اصلی تشییع (دماوند، انقلاب، آزادی و لشگری).

■ حلقه‌های بعدی: هدایت ترافیک به بزرگراه‌های پشتیبان مانند همت، حکیم، زین‌الدین و رسالت.

سردار سیدابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، با اشاره به پیش‌بینی ورود کاروان‌ها از مبادی مختلف کشور اظهار کرد که بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار فضای پارک در ۱۴ مبادی ورودی و پارکینگ‌های مسقف پایتخت آماده‌سازی شده است. او تأکید کرد خودروهای سنگین و عبوری که قصد توقف در تهران را ندارند باید از ساعت ۲۲ روز جمعه از آزادراه غدیر تردد کنند.

همچنین براساس برآوردهای ترافیکی بیش از ۴۱ درصد زائران (نزدیک به ۵ میلیون نفر) از طریق شبکه مترو جابه‌جا خواهند شد. برای جبران مزاد ظرفیت مترو ۴۲۰ دستگاه اتوبوس در ۱۴ میدان کلیدی مستقر شده و ۸۰ کیلومتر خط ویژه اتوبوس موقت برای دسترسی سریع به مصلى ایجاد شده است. به موازات آن، سازمان تاکسیرانی با ۱۰۰۰ دستگاه ون، خدمات رایگان را برای انتقال زائران از پارکینگ‌های دوردست به ایستگاه‌های مترو ارائه می‌دهد.

### اسکان محله‌محور: تبدیل مدارس و مساجد به زائرسرا

با توجه به سرازیر شدن میلیون‌ها تن از استان‌های مختلف، هتل‌ها

گروه اجتماعی: در آستانه برگزاری مراسم وداع و تشییع پیکر آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر فقید جمهوری اسلامی ایران، پایتخت خود را برای یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات‌های لجستیک و مدیریت شهری در تاریخ معاصر کشور آماده می‌کند. مقامات دولتی و شهری با بسیج همه‌جانبه امکانات، پهنای گسترده از شرق تا غرب تهران را به‌حالت آمادهباش کامل درآورده‌اند تا پایتخت میزبان جمعیتی باشد که پیش‌بینی می‌شود به چندین میلیون نفر برسد. براساس اعلام ستاد ملی برگزاری مراسم، زنجیره این رویداد بزرگ از روز شنبه هفته آینده با آغاز مراسم وداع در مصلى تهران کلید خواهد خورد؛ روزی که با تعطیلی رسمی پایتخت همراه است و در ادامه، روز دوشنبه با برگزاری مناسک تشییع پیکر و اعلام دو روز عزای عمومی و تعطیلی سراسری در کل کشور به اوج خود می‌رسد.

### پهنه تشییع: کریدوری در قلب تهران

برخلاف گمانه‌زنی‌های اولیه، حجم پیش‌بینی شده جمعیت به‌گونه‌ای است که امکان محدود کردن مراسم به یک نقطه وجود ندارد. محمداصداق معتمدیان، استاندار تهران و نماینده دولت در این ستاد، اعلام کرده که یک «کریدور گسترده شرقی-غربی» مشابه مسیر راهپیمایی ۲۲ بهمن برای این رویداد طراحی شده است. این پهنه عظیم از خیابان دماوند آغاز شده، با عبور از میدان امام‌حسین، خیابان و میدان انقلاب، خیابان و میدان آزادی در نهایت به بزرگراه شهید لشگری متصل می‌شود. به گفته سخنگوی شهرداری تهران، ایجاد زیرساخت‌های ویژه و موانع موقت در معابر چون بزرگراه مدرس، تصمیم اجتناب‌ناپذیری بوده که با پیشنهاد پلیس راهور و با هدف حفظ سلامت عزاداران و باز نگه داشتن «مسیر سبز امدادی» برای واکنش سریع به شرایط اضطراری اتخاذ شده است.

### محیط زیست

## خزر ناپدید می‌شود!

کاهش ۲۴ هزار کیلومتر مربع آب در ۳ دهه



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

بزرگ‌ترین پهنه آبی محصور در خشکی جهان با سرعتی نگران‌کننده در حال عقب‌نشینی است؛ فرآیندی که از ساختمان‌های متروک ساحلی تا تغییر ساختار اکوسیستم‌های شکننده، ردپای آن در سراسر کرانه‌های خزر دیده می‌شود. هرچند نوسان‌های تراز آب دریای خزر در طول تاریخ به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی شناخته می‌شد اما شواهد علمی جدید نشان می‌دهند که پس‌روی کونی حوضه خزر ماهیتی کاملاً متفاوت دارد و احتمالاً بازگشت‌ناپذیر خواهد بود. تحلیل‌های بلندمدت و ترکیب داده‌های ماهواره‌ای با یافته‌های هیدرولوژیک زمینی آشکار کرده که از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی تاکنون حدود ۲۴ هزار کیلومتر مربع از سطح آب دریای خزر ناپدید شده و تراز آب آن حدود دو متر افت کرده است. این کاهش چشمگیر، زنگ خطر را برای وقوع یک بحران زیست‌محیطی و اقتصادی در منطقه به‌صدا درآورده است؛ بحرانی که برخی مدل‌های بدبینانه اقلیمی پیش‌بینی می‌کنند در صورت تداوم روند فعلی ممکن است تا سال ۲۱۰۰ سطح آب دریا را بین ۱۸ تا ۲۱ متر دیگر کاهش دهد و عملاً یک‌سوم از مساحت خزر را به بیابان تبدیل کند.

### راز رودخانه ولگا؛ فرضیه‌ای که رد شد

برای سال‌ها، تغییر اقلیم و کاهش بارندگی به‌عنوان متهمان ردیف اول بحران خزر معرفی می‌شدند. با این حال مطالعه‌های جدید که توسط گروهی از پژوهشگران ایرانی و بین‌المللی ازجمله نیما شکری، مدیر مؤسسه آب دانشگاه سازمان ملل متحد و امیر آقاچوکچک، استاد دانشگاه کالیفرنیا انجام شده، یکی از رایج‌ترین فرضیه‌ها را رد کرده است. داده‌ها نشان می‌دهند که میزان بارندگی در حوضه رودخانه ولگا-شریان اصلی خزر که حدود ۸۰ درصد آب ورودی آن را تأمین می‌کند- نه‌تنها کاهش نیافته بلکه با تغییر الگوهای جوی اندکی افزایش نیز داشته است. پژوهشگران تأکید می‌کنند که تغییرات اقلیمی همچنان بر خزر سنگینی می‌کند اما نه از مسیر کاهش بارش بلکه از دریچه افزایش تبخیر. بالا رفتن میانگین دمای منطقه سبب شده تا سالانه حدود ۱۵۰ میلیارد مترمکعب آب از سطح این دریاچه بزرگ

ساحلی در ذهن بومیان منطقه غریبه شده‌اند؛ کافه‌ها و اسکله‌هایی که روزی در لبه آب قرار داشتند امروز مزارها با دریا فاصله دارند.

### سایه سنگین سرنوشت «آرال» بر سر تجارت و انرژی

کارشناسان محیط‌زیست هشدار می‌دهند که تداوم این وضعیت خزر را در آستانه عبور از «آستانه‌های بحرانی اکولوژیک» قرار می‌دهد؛ نقطه‌ای که پس از آن، بازگشت به شرایط اولیه غیرممکن خواهد بود. تجربه تلخ و تاریخی دریاچه «آرال» در شرق خزر، نمادی از این فروپاشی است؛ جایی که انحراف رودخانه‌ها منجر به خشکیدگی وسیع، توفان‌های نمکی سمی و نابودی کامل تمدن‌های صیادی اطراف آن شد. اگر بخش‌های وسیعی از بستر خزر خشک شود، بستر نمکی و آلوده باقی‌مانده می‌تواند، اقلیم کل منطقه را درگروگ کرده و توفان‌های گردوغبار حاوی آلاننده‌های صنعتی را روانه شهرهای اطراف کند. اما پیامدها تنها زیست‌محیطی نیستند؛ دریای خزر کریدور استراتژیک تجارت و انرژی میان آسیا و اروپاست. افت تراز آب عمق آبرها را کاهش داده و بنادر تجاری را مجبور به عملیات لجستیک سنگین و لایروبی‌های مداوم و پرهزینه برای حفظ تردد کشتی‌ها کرده است. زیرساخت‌های بندری، خطوط لوله نفت و گاز و صنایع شیلات پنج کشور ساحلی به ثبات این دریا وابسته‌اند و تزلزل آن، هزینه‌های اقتصادی هنگفتی را به کل منطقه تحمیل می‌کند.

### بن‌بست دیپلماتیک در مدیریت منابع آب

برخلاف اقیانوس‌ها، مدیریت دریاچه‌های بسته به‌طور کامل به رفتار و تعامل کشورهای همسایه گره خورده است. پنج کشور ساحلی خزر یعنی ایران، روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان دارای منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی متفاوتی هستند. گرچه اسنادی چون کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر (۲۰۱۸ آکتانو) به امضا رسیده است اما هنوز یک چارچوب جامع، شفاف و الزام‌آور برای پایش هیدرولوژیک، اشتراک‌گذاری شفاف داده‌ها و مدیریت مشترک منابع آب وجود ندارد. برداشت‌های غیرشفاف آب از رودهای بالادست در کنار هماهنگی‌های محدود منطقه‌ای، مانع از اجرای یک استراتژی حفاظتی یکپارچه شده است. دانشمندان تأکید می‌کنند که برای مهار یا کاهش سرعت این روند پاییزی به سطحی از همکاری منطقه‌ای نیاز است که در تاریخ این پهنه آبی بی‌سابقه بوده است. این راهکار شامل ثبت دقیق و شفاف مصارف صنعتی و کشاورزی، رهاسازی هدفمند آب از سدهای بالادست (به ویژه در حوضه ولگا) برای حفظ حبابه طبیعی دریا و سرمایه‌گذاری مشترک روی مدل‌های سازگاری اقلیمی است. خزر فراتر از یک مسیر حمل‌ونقل یا منبع انرژی یک سامانه زنده و فرساینده است که اگر هماهنگی سیاست‌ها با سرعت تغییرات محیط زیستی آن همگام نشود، طبیعت منطق خود را به ناچار بر ساکنان کرانه‌های آن تحمیل خواهد کرد.

تبخیر شود. افزون بر این تغییر در سرعت و جهت بادها که اکنون بیشتر از سمت قزاقستان و ترکمنستان می‌وزند با ایجاد کانون‌های گردوغبار، روند تبخیر سطحی را تشدید کرده است. با این حال تحلیل‌های دقیق آماری نشان می‌دهد که عامل تبخیر تنها مسئول حدود ۴۰ درصد از کل کاهش تراز آب از دهه ۱۹۹۰ تاکنون است.

### ردپای پررنگ انسان در شریان خزر

بخش عمده و ۶۰ درصدی بحران ناپدید شدن آب خزر، برخلاف تصور عمومی، نتیجه مستقیم سیاست‌گذاری‌ها و مداخلات گسترده انسانی در چرخه هیدرولوژیک حوضه آبریز است. رودخانه ولگا در طول دهه‌های گذشته تحت‌تأثیر پروژه‌های کلان توسعه در روسیه قرار گرفته است؛ ساخت سدها و مخازن متعدد، برداشت بی‌رویه آب برای مصارف کشاورزی و صنعتی و توسعه کانال‌های کشتیرانی، جریان طبیعی آب به سمت خزر را به‌شدت محدود کرده است. یکی از بخش‌های کلیدی این مداخله، سیستم کانال «ولگا-دن» است که خزر را به دریای سیاه متصل می‌کند و بخشی از جریان طبیعی آب را از این حوضه بسته منحرف می‌کند. تمرکز بیش از حد بر روی کلان‌روایت تغییرات اقلیمی در عمل باعث شده که سدسازی‌ها، انحراف رودخانه‌ها و اولویت دادن به رشد اقتصادی کوتاه‌مدت کشورهای حاشیه، پشت توجهات طبیعی پنهان بماند.

### از جلبک‌های سمی شمال تا خط ساحلی غریبه در جنوب

جغرافیای خزر به‌گونه‌ای است که پیامدهای این عقب‌نشینی در تمام نقاط آن یکسان نیست. بخش شمالی خزر که منطقه‌ای کم‌عمق، غنی و زیستگاه اصلی ماهیان خاویاری، فک‌های دریایی و پرندگان مهاجر است بیشترین آسیب را متحمل شده است. بررسی‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهند که غلظت «کلروفیل-آ» در بخش شمالی افزایش یافته که مفسر رشد فزاینده جلبک‌های مضر و کاهش شدید کیفیت آب است. آب گرم‌تر و کم‌عمق‌تر، بستر یخ‌آلود برای شکوفایی جلبکی ایجاد کرده که اکوسیستم شکننده دریا را به سمت خفگی پیش می‌برد. زیست‌شناسانی چون سایمون گودمن از دانشگاه لیدز هشدار می‌دهند که مناطقی در شمال شرق خزر که زمانی محل پوست‌اندازی ده‌ها هزار فک دریایی بود اکنون به‌طور کامل خشک شده و این جانوران زیستگاه‌های حیاتی خود را از دست داده‌اند. در سواحل جنوبی و در خاک ایران، اگرچه به دلیل شیب تند بستر و عمق زیاد دریا، عقب‌نشینی خط ساحلی نسبت به قزاقستان و روسیه کمتر به‌چشم می‌آید اما نشانه‌های بحران کاملاً ملموس است. تالاب‌های ساحلی تحت‌فشار شدید قرار گرفته، ذخایر ماهی کاهش یافته و بازارهای محلی رونق گذشته خود را از دست داده‌اند. خطوط

### گزارش ویژه

## همراه اول؛ پشتیبان رسانه‌ها در مراسم تشییع رهبر شهید



همراه اول با راه‌اندازی موکب رسانه‌ای در مسیر مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، مجموعه‌ای از خدمات ارتباطی، تولید محتوا و پشتیبانی را برای خبرنگاران، عکاسان و فعالان رسانه‌ای فراهم می‌کند تا پوشش این رویداد ملی با سرعت، کیفیت و سهولت بیشتری انجام شود. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برنند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، همزمان با برگزاری مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، همراه اول موکب رسانه‌ای تخصصی خود را برای ارائه خدمات به صاحب رسانه راه‌اندازی کرده است. این موکب با هدف حمایت از خبرنگاران و تسهیل فعالیت حرفه‌ای آنان، امکانات متنوعی از جمله فضای کار اشتراکی، استودیوهای تلویزیونی و پادکست، اتاق پخش زنده، مرکز تدوین، امکانات ارتباطی و اینترنتی، سالن نشست خبری، اتاق مصاحبه، ابزارهای هوش مصنوعی برای کمک به تولید محتوا و خدمات ترجمه را در اختیار خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای قرار می‌دهد. همراه اول با تکیه بر زیرساخت‌های ارتباطی خود، تلاش کرده فضایی فراهم کند تا رسانه‌ها بتوانند با تمرکز بیشتر و دسترسی به امکانات تخصصی، این رویداد ملی را سریع‌تر، دقیق‌تر و با کیفیت بالاتری پوشش دهند.

**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتی • سردبیر: اکبر منتجبی  
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی، امیر اقلتی

مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرینفر • حروفچین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

## یادداشت

### بحران حکمرانی آموزشی

وقتی پارلمان تعلیم و تربیت به حاشیه می‌رود

مریم اسماعیلی‌پور

کاشناس حوزه آموزش



اندیشکده دانا (دیده‌بانی و اعتلای نظام آموزشی) در تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ یادداشتی تحلیلی از دکتر قاسم یزدان‌پناه، متخصص رفتار سازمانی و مدیرکل اسبق مدارس غیردولتی با عنوان «بحران حکمرانی آموزشی؛ وقتی پارلمان تعلیم و تربیت به حاشیه می‌رود» منتشر کرد. این متن یکی از صریح‌ترین و روشن‌گرایانه‌ترین تفکراتی است که در سال‌های اخیر درباره نظام سیاستگذاری آموزش و پرورش ایران نوشته شده است. نویسنده با نگاهی آسیب‌شناسانه و مبتنی بر تجربه مدیریتی، زنگ خطری جدی را برای آینده آموزش کشور به صدا درآورده است. نکته کلیدی یادداشت، تشخیص بحران حکمرانی به جای تقلیل مسائل به ضعف اجرا یا کمبود بودجه است. یزدان‌پناه به‌درستی نشان می‌دهد که ریشه ناکارآمدی امروز آموزش و پرورش، نه در معلمان یا مدیران مدارس بلکه در ساختار پراکنده و موازی تصمیم‌گیری است که در آن شورای عالی آموزش و پرورش به‌عنوان مرجع تخصصی قانونی، تضعیف شده و نهادهای متعدد دیگری - چه رسمی و چه غیررسمی - سیاست‌های آموزشی را رقم می‌زنند بدون آنکه پاسخگویی پیامدهای آن باشند. این تحلیل همسو با یافته‌های پژوهش‌های مدیریت دولتی است که نشان می‌دهد، تعدد مراکز تصمیم‌گیری مهم‌ترین عامل کاهش انسجام و افزایش هزینه مبادله در نظام‌های عمومی محسوب می‌شود.

در بخش دوم یادداشت، شکاف میان سیاستگذاری و میدان عمل نمود دارد. اشاره به واکنش‌های منفی معلمان، مدیران و خانواده‌ها نسبت به تصمیمات اخیر، نشان می‌دهد که فرآیندهای کنونی فاقد مشارکت ذی‌نفعان است. این دقیقاً همان خطایی است که در نظام‌های آموزشی پیشرفته با سازوکارهایی مانند گفت‌وگوهای ملی، میزهای تخصصی محلی و آزمایش‌های میدانی پیش از تصویب، جبران می‌شود.

یزدان‌پناه با مفهوم آینده‌نگری دست دوم به آسیب دیگری اشاره می‌کند؛ واکنشی بودن به‌جای آینده‌سازی. در عصری که هوش مصنوعی، یادگیری شخصی‌سازی شده و تغییر ماهیت مدرسه، تحولات بنیادین ایجاد کرده‌اند همچنان با ذهنیت دهه ۱۳۶۰ تصمیم‌گیری می‌شود. این نقد، فراتر از آموزش، به‌نوعی گیرکردگی نهادی در بسیاری از ساختارهای کشور اشاره دارد که حاصل ترکیب محافظه‌کاری ساختاری و ضعف نوسازی فکری است. یکی از هوشمندانه‌ترین بخش‌های یادداشت، تحلیل جایگاه وزیر آموزش و پرورش است. نویسنده نشان می‌دهد که وزیر در افکار عمومی مسئول همه نتایج نظام آموزشی است اما اختیارات راهبردی لازم را در اختیار ندارد. این مسئولیت بدون اختیار نه‌تنها باعث سرخوردگی مدیران می‌شود بلکه عملاً پاسخگویی را ناممکن می‌کند.

دکتر یزدان‌پناه در پایان ۹ راهکار مشخص ارائه می‌دهد که از بازتعریف نقش شورا تا جوان‌سازی ترکیب، مشارکت ذی‌نفعان، آینده‌پژوهی و استقرار نظام ارزیابی اثر را شامل می‌شود. این راهکارها برخلاف بسیاری از متون مشابه، عملیاتی و مبتنی بر تجربه هستند. به‌ویژه تأکید بر حکمرانی مبتنی بر داده و شواهد به‌جای حکمرانی بخشنامه‌ها، هسته اصلی تحول در نظام آموزشی است. یادداشت دکتر یزدان‌پناه، یک بیانی تخصصی - سیاستی است که نه‌تنها به‌درستی مسئله را تشخیص داده بلکه نقشه راه روشنی برای خروج از بحران ارائه می‌دهد. اگرچه ممکن است برخی از راهکارها در فضای اجرایی با موانع قدرت و منافع نهادی مواجه شوند اما به هر حال این متن می‌تواند سندی مرجع برای بحث‌های کارشناسی در شورای عالی آموزش و پرورش، مجلس شورای اسلامی و حتی دولت باشد. تنها نکته غایب در یادداشت، اشاره به نقش مجلس و کمیسیون آموزش و تحقیقات در نظارت بر عملکرد شورا و وزارتخانه است که می‌توانست به غنای تحلیلی بیفزاید. با این حال متن از حیث ساختار، استدلال و پیشنهادها یکی از مستحکم‌ترین تفکراتی منتشرشده در ماه‌های اخیر محسوب می‌شود.

به‌نظر می‌رسد، بهترین مسیر برای بهره‌برداری از این یادداشت، تبدیل آن به یک کارگروه مشترک میان شورای عالی، وزارت آموزش و پرورش و پژوهشگاه‌های مطالعاتی است تا با طراحی یک نظام سنجش حکمرانی آموزشی به تدریج گام‌های عملی برای بازطراحی ساختار سیاستگذاری برداشته شود. زمان، دیگر اجازه آزمون و خطاهای طولانی را نمی‌دهد.

# فرصت واقع‌گرایان

پنجره‌ای تازه برای دیپلماسی و وفاق ملی گشوده شده است



مهدی علی‌آبادی

فعال سیاسی

در سیاست، گاهی پیروزی‌ها مسیر تاریخ را تغییر نمی‌دهند. این شکست‌ها هستند که افق‌های تازه می‌گشایند. برای بیش از دو دهه، ایران، آمریکا و اسرائیل در چرخه‌ای از تقابل، فشار، تهدید و مذاکره گرفتار بودند. هر طرف تصور می‌کرد با تداوم مسیر خود می‌تواند، دیگری را وادار به عقب‌نشینی کند. اما امروز نشانه‌هایی دیده می‌شود که از تغییری عمیق‌تر خبر می‌دهد؛ تغییری نه در شعارها بلکه در فهم محدودیت‌های قدرت.

نخستین تلاش جدی برای خروج از این چرخه، توافق هسته‌ای دوران اوباما بود. در آن مقطع بخشی از حاکمیت آمریکا به این نتیجه رسیده بود که مسئله ایران را نمی‌توان صرفاً از طریق فشار حل کرد و باید راهی برای عادی‌سازی تدریجی روابط جست‌وجو کرد. اما شرایط برای چنین تغییری مهیا نبود. در ایران بی‌اعتمادی تاریخی همچنان سنگین بود. در آمریکا، مخالفان توافق آن را عقب‌نشینی راهبردی تلقی می‌کردند. در اسرائیل نیز این نگرانی وجود داشت که هرگونه عادی‌سازی، توازن منطقه‌ای را به زیان این کشور تغییر دهد.

برجام بیش از آنکه پایان یک منازعه باشد، وقفه‌ای در مسیر آن شد. پس از آن، همه طرف‌ها به سمت گزینه‌های سخت‌تر حرکت کردند. آمریکا فشار حداکثری را آزمود. ایران مقاومت حداکثری را بی‌گرفت. اسرائیل نیز تلاش کرد با افزایش فشارهای امنیتی و منطقه‌ای، مسیر هرگونه توافق پایدار را مسدود کند.

در هر سه جبهه، نیروهای رادیکال فرصت یافتند تا به

## یادداشت سیاسی

# از منطق جنگ تا منطق توسعه

ایران امروز به ساختار شکنی و نوآوری نیاز دارد



میلاد وندانی

دیپلوماستان همدان  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

جنگ‌ها صرفاً در میدان نبرد تعیین‌تکلیف نمی‌شوند؛ بلکه بخش مهمی از سرنوشت ملت‌ها در روزهای پس از جنگ رقم می‌خورد. اما اگر نگاهی به تاریخ بیندازیم، نشان می‌دهد که تنها کشورهایی توانسته‌اند از دل بحران‌ها فرصت بسازند که شجاعت بازنگری در الگوهای گذشته و جسارت نوآوری در مسیر آینده را داشته‌اند. امروز نیز ایران در یکی از همین بزنگاه‌های تاریخی قرار گرفته است؛ نقطه‌ای که بیش از هر زمان دیگری نیازمند ساختار شکنی‌های هوشمندانه و نوآوری در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و مدیریتی است.

جنگ رمضان، فارغ از هزینه‌ها و خسارت‌هایی که بر کشور تحمیل کرد یک واقعیت مهم را نیز به نمایش گذاشت؛ ایران توانست از تمامیت ارضی، امنیت ملی و عزت خود دفاع کند و نشان دهد که در برابر تهدیدهای خارجی، کشوری منفعل و تسلیم‌پذیر نیست. همین ایستادگی، سرمایه‌ای ارزشمند برای آینده ایران به‌شمار می‌رود. اما حفظ این سرمایه و تبدیل آن به قدرت پایدار، نیازمند آن است که کشور از منطق دوران بحران عبور کرده و وارد مرحله بازسازی و توسعه شود.

در چنین شرایطی، امید به سرانجام رسیدن توافق اولیه میان ایران و ایالات متحده آمریکا می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی کشور تلقی شود. توافقی که اگر بر پایه منافع ملی، حفظ عزت و احترام متقابل شکل گیرد، نه‌تنها به‌معنای عقب‌نشینی از اصول نیست بلکه می‌تواند، نشانه‌ای

حداکثر ایده‌های خود نزدیک شوند. سال‌ها بود که بخشی از جریان‌های تندرو در واشنگتن و تل‌آویو معتقد بودند، مسئله ایران تنها از طریق رویارویی مستقیم قابل حل است. در سوی دیگر نیز گروهی تصور می‌کردند، تشدید تقابل می‌تواند موازنه را به سود ایران تغییر دهد. اما نتیجه متفاوت بود. نه فشار حداکثری به فروپاشی ایران انجامید. نه جنگ و درگیری توانست مسئله را حل کند. نه آمریکا به اهداف نهایی خود رسید. نه اسرائیل به امنیت مطلق دست یافت و نه ایران توانست از هزینه‌های سنگین این تقابل مصون بماند. همین تجربه مشترک، مهم‌ترین تحول امروز را رقم زده است.

برای نخستین بار پس از سال‌ها، بخشی از نیروهای مؤثر در هر سه ضلع منازعه به این جمع‌بندی نزدیک شده‌اند که پیروزی کامل دست‌یافتنی نیست. تاریخ بارها چنین لحظاتی را تجربه کرده است. آلمان و فرانسه پس از دو جنگ جهانی، بریتانیا و ایرلند شمالی پس از دهه‌ها خشونت و حتی آمریکا و ویتنام، زمانی به سمت توافق و همکاری حرکت کردند که دریافتند، حذف طرف مقابل ممکن نیست.

واقع‌گرایی معمولاً از دل آرزوها متولد نمی‌شود؛ از دل بن‌بست‌ها متولد می‌شود. در آمریکا نیز نشانه‌های این تغییر قابل مشاهده است. جریانی که امروز در اطراف ماگا و چهره‌هایی مانند جی. دی. ونس دیده می‌شود، در بسیاری از حوزه‌ها ادامه سنت نوحافظه‌کاری نیست. بخش مهمی از هویت سیاسی این جریان بر نقد جنگ‌های پرهزینه، مخالفت با مداخلات بی‌پایان و تمرکز بر بازسازی توان داخلی آمریکا استوار است. این جریان الزاماً طرفدار ایران نیست. اما برخلاف نسل پیشین، ایران را بیش از آنکه یک پروژه ایدئولوژیک بداند یک مسئله راهبردی تلقی می‌کند؛ مسئله‌ای که باید مدیریت شود نه آنکه به یک جنگ دائمی

تبدیل گردد. شاید به همین دلیل باشد که امروز در واشنگتن بیش از گذشته از مدیریت منازعه سخن گفته می‌شود تا حل نهایی آن.

اما مهم‌ترین بخش این تحول در واشنگتن نیست؛ در تهران است. هیچ گشایش خارجی بدون انسجام داخلی پایدار نخواهد ماند. اگر فضای جدیدی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی در حال شکل‌گیری است، ایران بیش از هر چیز به تقویت وفاق داخلی نیاز دارد. فرصت‌های تاریخی زمانی به نتیجه می‌رسند که جامعه و حاکمیت بتوانند، حول منافع ملی به درکی مشترک برسند.

آنچه در ماه‌های اخیر اهمیت دارد نه صرفاً یک توافق خارجی بلکه شکل‌گیری کم‌سابقه‌ای از همکاری در درون ساختار تصمیم‌گیری کشور است. این همکاری اگر به یک راهبرد پایدار تبدیل شود، می‌تواند مهم‌ترین سرمایه ایران در سال‌های پیش‌رو باشد. وظیفه دولت نیز صرفاً اداره امور اجرایی نیست. دولت باید نقش محوری خود را در حفظ و گسترش این وفاق ایفا کند. جذب حداکثری منتقدان، کاهش شکاف‌های سیاسی و اجتماعی و بازسازی اعتماد عمومی اکنون به یک ضرورت راهبردی تبدیل شده است. ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگوی ملی نیاز دارد. گفت‌وگویی که تنها محدود به جریان‌های رسمی نباشد و بتواند، بخش‌های مختلف جامعه را در بر گیرد.

همچنین هر گامی در جهت آشتی اجتماعی، کاهش شکاف‌ها و گسترش دایره مشارکت، می‌تواند پشتوانه‌ای برای موفقیت در عرصه خارجی باشد. اگر واقع‌گرایی در سیاست خارجی در حال تولد است، مکمل طبیعی آن در داخل کشور، وفاق ملی است. شاید مهم‌ترین فرصت پیش روی ایران همین باشد: تبدیل گشایش در بیرون به آشتی در درون.

از بلوغ سیاسی و اعتماد به‌نفس ملی باشد. ملت‌هایی که از موضع قدرت مذاکره می‌کنند، در واقع دستاوردهای خود را به سرمایه‌ای برای آینده تبدیل می‌کنند.

ایران امروز بیش از هر چیز به گشایش در روابط اقتصادی و تعامل سازنده با جهان نیاز دارد. اقتصاد ایران سال‌هاست زیر فشار تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی و انباشت برخی ناکارآمدی‌های ساختاری به‌ویژه در حوزه مدیریت قرار گرفته است و عبور از این وضعیت صرفاً با تریق منابع مالی یا اجرای سیاست‌های کوتاهمدت ممکن نیست. آنچه کشور به آن نیاز دارد، اصلاحات عمیق در نظام حکمرانی اقتصادی، افزایش شفافیت، تقویت بخش خصوصی، کاهش تصدی‌گری دولت شایسته‌سالاری و ایجاد فضای رقابتی برای سرمایه‌گذاری و تولید به دور از هرگونه رانت و دزدی دارد.

همزمان عرصه سیاست نیز نیازمند نگاهی تازه است. جامعه ایران امروز جامعه‌ای جوان، آگاه و متصل به جهان است. نسل جدید مطالبات متفاوتی دارد و انتظار دارد در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها، نقش بیشتری ایفا کند. تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت عمومی، بهره‌گیری از نخبگان و ایجاد سازوکارهای کارآمدتر برای گفت‌وگوی ملی می‌تواند زمینه‌ساز انسجام بیشتر و افزایش توان کشور در مواجهه با چالش‌های آینده باشد.

ساختار شکنی مورد نیاز امروز ایران به‌معنای نفی گذشته یا کنار گذاشتن اصول بنیادین نیست؛ بلکه به‌معنای عبور از الگوهایی است که دیگر پاسخگوی نیازهای عصر جدید نیستند. نوآوری در حکمرانی، اقتصاد و سیاست می‌تواند همان حلقه مفقوده‌ای باشد که ایران را از وضعیت تدافعی به موقعیت